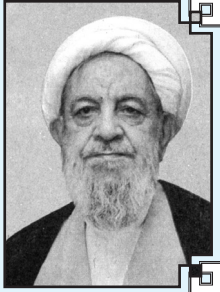


«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



حجت الاسلام والمسلمین
محمد هادی فقهی از اخلاق و منش
استادش می‌گوید
علامه طباطبایی
تکرارشدنی
نیست



سال سی و هفتم ♦ شماره ۸ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۶ ♦ نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

توپخانه آیت الله!

استاد سید هادی خسروشاهی

... در مدت اقامت در قاهره، کتابی تحت عنوان: «عبدالناصر و ثورة ایران» به دستم رسید که تألیف «فتحی الدیب» مشاور عالی امنیت ملی سابق عبدالناصر و سفیر بعدی مصر در سوئیس بود...

فتحی الدیب در این کتاب مدعی شده که یاران امام خمینی به کمک مصر و توسط عبدالناصر به مصر آمده و دوره رزم های چریکی دیده اند و علاوه بر آن، عبدالناصر، به امام خمینی هم کمک مالی کرده است!

در مورد نکته اول می دانستیم که شهید مصطفی چمران، دکتر ابراهیم یزدی، بهرام راستین، پرویز امین و چند نفر دیگر از برادران نهضتی، به قاهره رفته و مدتی دوره رزم چریکی را دیده اند، و باز می دانستیم که این برادران به عنوان یاران امام خمینی به مصر نرفته بودند و هرگز هم با مصری ها در این زمینه صحبتی نداشته اند و اقدام آنها هم اصولاً مربوط به نهضت امام خمینی نبود، بلکه در استمرار اهداف خاص خود برادران بوده است و این موضوع را، من از آقای دکتر یزدی پرسیده ام و پاسخ و توضیح مکتوب او را هم در کتاب خود (امام خمینی و عبدالناصر) آورده ام.

موضوع دوم مسئله کمک مالی عبدالناصر به امام خمینی است که در کتاب فتحی الدیب آمده و آقای محمد حسنین هیکل هم آن داستان را در کتاب خود آورده است و چون این ادعا از اساس دروغ و کذب محض بود، تصمیم گرفتم که پاسخ لازم را با ذکر اسناد و مدارک، در کتابی تنظیم و در مصر منتشر سازم و این کار، به یاری حق انجام گرفت و کتاب من تحت عنوان «حقیقه علاقه عبدالناصر بالثورة الاسلامیه فی ایران» توسط «دار الهداف» در قاهره چاپ و در سطح وسیعی توسط نمایندگان، در بین شخصیت های سیاسی و مسئولان احزاب و مطبوعات، دانشگاهیان و فرهنگیان توزیع گردید...

در آن، فصلی هم به نوشته های آقای هیکل اختصاص داشت که ضمن نقل مطالب وی، توضیح لازم را داده بودم که مورد توجه فرهیختگان و اهالی سیاست و تاریخ قرار گرفت. پاسخ گویی به اشتباهات و تکذیب رسمی و صریح اکاذیب، آن هم در داخل مصر - قاهره - و نقد نوشته های افرادی چون فتحی الدیب، محمد حسنین هیکل، عادل حموده و دیگر ناصری های معاصر، نقش خاصی در روشنگری افکار عمومی داشت و در دیدارها و برخورد های متعدد با شخصیت های گوناگون، تأثیر مثبت این کتاب، مشهود بود...

خلاصه ای از ترجمه آنچه را که درباره نقد کتاب هیکل ومطالب او در مورد انقلاب و امام خمینی نوشته بودم، به تناسب موضوع: «خاطراتی از هیکل» در اینجا می آورم:

ضروری است اشاره کنم که محمد حسنین هیکل یکی از برجسته ترین روزنامه نگاران، نویسندگان و پژوهشگران تاریخ معاصر دنیای عرب و مصر است که به بررسی موضوع های مربوط به ایران هم پرداخته و ماهیت اختلاف شاه با مخالفان رژیم را در نیم قرن اخیر، تشریح نموده است. هیکل در بررسی وقایع و تحلیل دقیق و کامل آنها، به موضوع رابطه ی سران «حرکت ۲۳ ژوئیه» به رهبری عبدالناصر با نهضتی های ایران نیز پرداخته است و نوشته های او به عنوان یک سند تاریخی مطرح شده است.

در واقع محمد حسنین هیکل از دوران حکومت شاه به مسئله ی ایران - و به طور کلی به تاریخ و وقایع ایران - توجه خاصی داشته و در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت هم به ایران آمده، و کتاب «ایران فوق برکان» - «ایران بر فراز آتشفشان» - را تألیف کرده است. او با آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی هم توجه ویژه ای به مسائل ایران داشته است و یک بار هم در محل اقامت امام خمینی در پاریس و سپس یک بار هم پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی شاه، در ایران - قم - با ایشان دیدار و گفتگو کرده است.

محمد حسنین هیکل، به اتاق فکر و تصمیم گیری دولت مصر در زمان عبدالناصر بسیار نزدیک بود. به عنوان مشاور، وزیر و روزنامه نگار، از مهم ترین تصمیمات دولت ناصر آگاه بود و به خوبی تصمیمات و وقایع را زیر نظر داشت. بنابراین وقتی هیکل درباره ی آن دوران مطالبی بنویسد در واقع جستجوگری یک روزنامه نگار، اطلاعات یک فرد آگاه، اسناد یک ناظر حکومتی و آگاهی یک شخص حاضر در روند رویدادها را در یکجا گرد آورده است و باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

رابطه ی نزدیک هیکل با عبدالناصر این فرصت را برای وی مهیا کرده بود که از تمامی اطلاعات، اسناد و مدارک داخلی و خارجی باخبر باشد. بر این اساس نوشته های هیکل در جهان عرب و به ویژه مصر اعتبار خاصی دارد. از طرفی، هیچ کس هم نمی تواند ادعا کند که هیکل با تعارف و خوش بینی درباره ی انقلاب اسلامی ایران، قضاوت کرده است.

اکنون با توجه به تمامی نکات، توجه خوانندگان گرامی را به دیدگاه های محمد حسنین هیکل جلب می کنیم و چه بسا همین دیدگاه ها بهترین پاسخ برای رد ادعاهای فتحی الدیب و دیگر کسانی که راه او را پیموده اند، باشد.

ادامه در صفحه ۴

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب:

**باید نکات انحرافی
وهایت، سلفی گری
داعش در حوزه
تدریس شود**

صفحه ۸

حجت الاسلام والمسلمین مبلتی:

**برخی رفتارها در
شهرهای مذهبی
در شأن زیارت و
زائران نیست**

صفحه ۷

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین
مهدوی راد

**نگاهی به فعالیت های
کتابخانه تخصصی
تفسیر و علوم قرآنی**

صفحه ۶

**فریادهای
ماندگار
تاریخ**

غلامرضا گلی زواره

صفحه ۲

نوشتار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی بروجردی:

دنیاطلبی و ریاست خواهی در وجود او دیده نمی شد

اینکه «کتاب خلاف» شیخ، صفحه به صفحه اش پیش رویش حاضر باشد، سخن می گفت و بر علم رجال و اسناد حدیث تسلط و آگاهی خارق العاده داشت.

دانشمند معروف شیخ باقوری وزیر اوقاف مصر، در اثر یک ملاقات، چنان مجذوب او شد که همه ی تذکرات ایشان را به سمع اجابت شنید و در ضمن نامه ای که از آنجا به عرض ایشان رساند، وعده انجام همه را داد و عبارتش نسبت به آن وعده ها این بود که «لایزال یخلد فی کینای».

مرحوم علامه شیخ محمد تقی قمی می گفت: آنگاه که نامه حضرت آقا را به شیخ محمد سلیم تسلیم کردم، بر خاست و ایستاد و نامه را گرفت و بوسید و نیز شیخ محمد شلتوت، صاحب آن فتوای تاریخی هم برمی خاست و به احترام می ایستاد و نامه را دریافت می کرد. بی شک در عصر ایشان، در بین همه علمای فرق، کسی اعلم از ایشان در فقه فرق نبود.

آن بزرگوار در حفظ حدود مکتب اهل بیت علیهم السلام در برابر همین اشخاص که به او کمال احترام را اظهار می کردند از حقی و موضعی تنازل نمی کرد؛ چنان که وقتی شیخ شلتوت در تفسیری که می نوشت در تفسیر آیه ی «وَأَن تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ» سخن نابجایی گفته بود، در مقام ردّ بر او، به اینجانب امر فرمود تا جواب کافی و شافی طی رساله «حول الاستقسام بالأزلام» نگاشتم و برای او ارسال کردند.

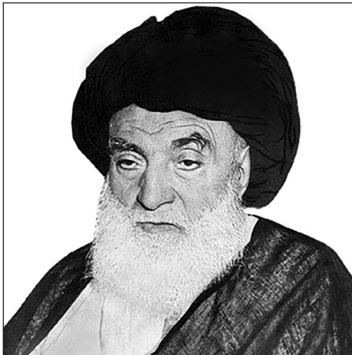
از سوی دیگر مثل جرج جرداق دانشمند مسیحی، نویسنده کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة»، کتابش را طی نامه ای بسیار بلیغ و پرمحتوا به ایشان اهدا نمود.

۱۳ شوال، سالروز رحلت چنین شخصی است که عظمت های وجودی اش همه افتخارآفرین بود و اسوه ای ستودنی برای علما و شیعیان.

در تشرع و تعبد تام و التزام به احکام و عبادت و دعا و محاسبه نفس و توجه به خدا و استغفار و توبه و تعظیم شعائر و سنت ها، از جمله سوگواری و مراسم عزاداری حسینی علیه السلام و عاشورا، در همه مثل و نمونه بود. باید این روز و این شخصیت و تاریخ حیاتش، همیشه زنده نگه داشته شود و برای همه سرمشق باشد.

و این مقاله را با سخن یکی از بزرگترین علمای مصر که در ارتحال ایشان نوشته بود به پایان می رسانم:

اغدق الله علی جدته الطاهر من سحائب رحمته و حشره فی زمره جده سید المرسلین.



حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در نوشتاری به مناسبت سالروز ارتحال آیت الله العظمی بروجردی می نویسد: سیزده شوال، سالروز رحلت مرحوم استاد اعظم حضرت آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه، زعیم بزرگ شیعه است که در عصر خود، نمونه ی ممتاز و آسمانی، از رجال ایمان و خداپرستی و خداخواهی و وجودش سرشار از عقیده و توحید بود.

این فقیه عالی مقام، در اخلاق کریمه و بزرگی و بزرگواری، - به حق - یادگاری از جد بزرگوارش سبط اکبر علیه السلام بود.

جهات عظمت شخصیت، در وجود ایشان جمع شده بود؛ بزرگترین آنها بیم از خدا و حساب روز جزا بود؛ با تمام وجود، خدا را باور و به قیامت اعتقاد داشت. دنیاطلبی و ریاست خواهی در او دیده نمی شد. او خود می فرمود - و در صداقت و راستگویی او شکی نبود- من یک قدم برای این مقام، یعنی مرجعیت و ریاست برنداشتم.

صفاتی که امیرالمؤمنین علیه السلام برای همام از متقین برشمرد در او لمس می شد: «فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»

در صرف بیت المال دقت فراوانی داشت و می شود گفت: حتی دیناری به کسی برای غیر خدا نپرداخته بود.

شخصاً و برای حوائج شخصی خود، مثل لباس و بلکه غذا از سهم مبارک و بیت المال استفاده نمی کرد. خانه و اندرون بیت او ساده و بی پیرایه و به فرش های کهنه که شاید از گذشته به او ارث رسیده بود مفروش بود.

به بزرگان گذشته و معاصر احترام می کرد. در اظهار حق و ابطال باطل، مسامحه و مجامله نمی نمود، و رعایت امور و حقوقی که رعایت آنها از مستحبات و مکارم اخلاق و آداب بود کمال اهتمام را داشت.

هر کس قدمی در راه خدا برداشته بود و مصدر خدمتی به دین و مذهب شده بود، نزد او احترام خاص داشت.

یاد دارم زمانی به پدر بزرگوارم فرمود: من یک شب هم شما را فراموش نمی کنم.

در امر ترویج دین و دفاع از حدود و ثغور اسلام و مذهب، آنچه را در توان داشت انجام می داد. غم و غصه ای اگر برایش بود، همان فکر و اندیشه ی مسائل اسلامی بود.

در موقعیت علمی چنان بود که هر دانشمند و عالم و استادی به محضر او می رسید، شیفته ی او می شد. در مسائل علمی و اطلاع از آراء علماء مذاهب و فرق اسلامی، متبحرتر از خود آنها بود؛ مثل

این مطلب نگاهبست به فریادها، هشدارها و مواضع عالمان شیعه در برابر نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیگانگان در تاریخ معاصر که در ادامه بخش پایانی تقدیمتان می گردد.

آیت‌الله کاشانی؛ استوار در برابر توفان تهاجم و نفوذ

آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی (۱۲۶۰ - ۱۳۴۰ش)، فقیه مبارز و مجاهد خستگی‌ناپذیری بود که عمر خود را در راه مبارزه با استبداد، استکبار و ستمگری گذرانید و چون دژِ استوار در برابر تهاجم بیگانگان به کشورهای اسلامی ایستادگی کرد و به پاسداری از اسلام و ارزش‌های قرآن و سنت و عترت نبی‌اکرم(ص) برخاست. وی به سبب خوی استکباری بریتانیا هرگز حاضر نبود پای مذاکره و سازش با این ابرقدرت متجاوز، بنشیند و تجدید رابطه با بریتانیا را مرگ ملت می‌دانست. ۱۹

ایشان در مصاحبه با مارتین، سردبیر نشریه‌ای اروپایی، خاطرنشان ساخت: من همیشه از خدا می‌خواستم ما نفت نمی‌داشتیم و از شر سیاست استعمار انگلستان آسوده می‌ماندیم؛ زیرا این کشور برای آن که نفت ما را بدون مزاحمت به یغما ببرد در کلیه شؤون اجتماعی ما دخالت کرد و فساد و نفاق را در مملکت ما به وجود آورده و توسعه دادند و کشور ما را با همین حیل‌های جنایت‌آلود استعمار و به وسیله روی کار آمدن هیأت‌های حاکمه فاسد، از حیث اقتصاد، دیانت و اخلاق تضعیف کردند؛ چنان که کشورمان بر اثر اعمال نفوذهای استقلال‌شکنانه شرکت سابق نفت از داشتن استقلال سیاسی و اقتصادی حقیقی بی‌نصيب مانده بود. ۲۰

آیت‌الله کاشانی در گفت‌وگو با خبرنگار آمریکایی روزنامه هرالدریون، اظهار داشت: ما به هیچ وجه اجازه نمی‌دهیم که کمک‌های مالی و اقتصادی از طرف هر دولتی که باشد، وسیله اعمال نفوذ و دخالت نامشروع آن کشور و دولت، در ایران گردد؛ زیرا ما استقلال و حاکمیت ملی خویش را با هیچ چیزی عوض نخواهیم کرد و به هیچ کشور و سیاست بیگانه‌ای اجازه نخواهیم داد که در امور داخلی وطن ما اعمال نفوذ نماید. ۲۱

پس از این که انگلستان قرارداد شومی را به ایران تحویل کرد که به موجب مفاد آن دولت متعهد شد تا از کارشناسان بریتانیایی استفاده کند، هنگامی که احمدشاه قاجار وارد حرم کاظمین در عراق شد، آیت‌الله کاشانی که در میان علما جوان‌تر بود، خطاب به وی گفت: عجیب است در حالی که ملت‌های مظلوم عالم یکی پس از دیگری زنجیرهای اسارت و استعمار را پاره می‌کنند و به کشورهای مستقل جهان می‌پیوندند، ملت مسلمان ایران به ورطه هولناک سلطه و نفوذ استعمار انگلیس وارد می‌شود و دولت وقت(میرزا حسن وثوق) قرارداد استعماری را که آزادی و استقلال ایران را نابود می‌کند و ما را زیر سلطه انگلستان قرار می‌دهد، امضا کرده است، ما از شما می‌خواهیم تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تصویب و اجرای این قرارداد، به کار گیرید. احمدشاه در پاسخ گفت: من این معاهده را امضا و تأیید نکرده‌ام و حداکثر کوشش خود را برای جلوگیری از اجرای آن به کار خواهم بُرد. ۲۲

آقا نجفی اصفهانی و رویارویی با نفوذ اقتصادی

آیت‌الله شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی(۱۲۶۲ - ۱۳۳۲ق)، در عصری می‌زیست که زمان انحطاط ایران و دوران نفوذ تدریجی فرنگیان در این سرزمین بوده است. مبلغان مذهبی اروپایی، تجار و کمپانی‌های خارجی، سیاستمداران و مستشرقین هر یک در حوزه نفوذ خود، به هویت و استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران ضربه می‌زده است و متأسفانه حاکمان این کشور که می‌بایست حافظ ملت، نگهبان هویت دینی و بومی و کبان کشور و عزّت و کرامت مسلمانان باشند، در برابر آنان از خود ضعف، زبونی و خودباختگی نشان می‌دادند و برخی نیز به منظور دریافت رشوه‌های کلان، تن به امتیازات خوارکننده می‌دادند.

فریادهای ماندگار تاریخ

غلامرضا گلی‌زواره

به شدت معترض بود و می‌گفت اگر فردی غیر مسلمان جرمی و فسادِ مرتکب شود، باید طبق قوانین شرعی و عرفی ایران محاکمه گردد و خارجه چه حق دارند که در احکام ملت مداخله نمایند، حکومت شرعیه یا عرفیه حدود محدود و موازین معینی دارد، نمی‌دانم چه واقع شده است در عالم ملت و حکم عدالت که دیوانخانه نمی‌تواند یک نفر یهودی مجرم و مفسد فی‌الارض، تنبه و خانه فساد او را ممنوع نماید؛ از خارجه، برای جلوگیری از اجرای حکم شرعی، واسطه پیدا می‌شود، گویا خارجه می‌خواهد در اصفهان هم مثل سایر امکنه و بعضی از بلاد در احکام ملت و موازین عدلیه کارگزاران ایران مداخله نماید، آن‌ها را مایوس فرمایید. ۲۸

آیت‌الله مدرس؛ پرچمدار مقابله با نفوذ بیگانگان

شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس طباطبایی زواره‌ای، از سوی علمای نجف به عنوان عالم طراز اول برگزیده شد تا به مجلس شورای ملی ایران برود و ناظر مصوبات نمایندگان به لحاظ عدم مغایرت قوانین تصویب گردیده با قانون و شرع مقدس باشد، او در جلسه ۱۹۴ مجلس سوم و در سه‌شنبه ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۲۸ق در این مجلس حضور یافت. ۲۳ او در نطق‌ها و موضع‌گیری‌های خود در برابر ستمگران و بیگانگان سیاستی برخاسته از دیانت داشت؛ چنان که زمانی خاطرنشان ساخت: منشأ سیاست ما دیانت ماست؛ هر کس متعرض ما بشود، متعرض او می‌شویم، هر که می‌خواهد باشد، به قدری که از ما برمی‌آید اقدام می‌کنیم.

رجال انگلیس نشستند و گفتند: مامورین روسیه باید از ایران بروند، هرچه ما گفتیم آقایان ما خودمان صاحبخانه هستیم به حد مناسبت شما می‌گویید ماموران سیاسی روس از ایران بروند، ما خودمان صلاح و فساد خویش را می‌دانیم، من مناسب نمی‌بینم که دولت‌ها دوستی‌های خصوصی پیدا کنند، یکی تعریف ما را بکند و یکی ملامت، اگر ما خویم یا بدیم، تو برو خود را باش. ۳۴ در ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۷ق سرپرستی کاکس وزیر مختار انگلیس، با نخست‌وزیر وقت ایران، وثوق‌الدوله، قراردادی منعقد ساخت که در آن اهداف شوم و پلیدی نهفته بود. این قرارداد در هفت ماده و یک ضمیمه تنظیم شد. در ماده دوم این معاهده آمده بود: دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم، استخدام آنان را در اداره مختلف بین دولتين توافق حاصل گردد، به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد. در ماده سوم درج گردیده بود که دولت انگلیس به خرج دولت ایران، صاحب منصبان، ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکلی که دولت ایران، ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات، در نظر دارد، تهیه خواهد کرد. ۳۵

با امضای این قرارداد وثوق‌الدوله در ازای دریافت یکصد و سی هزار لیره انگلیسی، طوق بندگی و ذلت را به گردن مردم مسلمان ایران انداخت و کوشید تا نظام سُلطه را در این سرزمین اسلامی و کشور شیعیان حاکم گرداند. وثوق‌الدوله در نظر داشت این معاهده را توسط طرفداران و دست‌نشانندگان خود در مجلس شورای ملی به تصویب برساند که با مخالفت‌های شهید مدرس، شکست خورد. مدرس در جلسه ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۹ق طی نطقی گفت: سیزده ذی‌قعدة ۱۳۳۷ق روز نحسی برای ایران بود و یک قرارداد منحوس بدون اطلاع احدی منتشر شده است، مردم کمال غفلت را داشتند که این موضوع چیست الا نادری از افراد.

بندۀ در همان لحظات که قرارداد انتشار یافت با آن به مخالفت برخاستم، قرارداد منحوس یک سیاست مضر به دیانت اسلام می‌باشد. کابینه وثوق‌الدوله خواست ایران را رنگ بدهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد، بر ضد او، ملت قیام نمود، هر کس تمایل به سیاستی بنماید، ما با او موافق نخواهیم بود، چه رنگ روس، چه رنگ انگلیس و چه رنگ آمریکا، ما باید هیچ رنگی نداشته باشیم، بنده که مخالف آن کابینه بودم برای این بود که قرارداد را مضر می‌دانستم، ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد، هر رنگی غیر از این داشته باشد،

آقاجنقی اصفهانی در خط مقدم جبهه‌ای قرار دارد که علیه این انحطاط و زوال مقاومت می‌کند، درخشیدن نام وی در ردیف رهبران طراز اول نهضت‌های بزرگ علیه استبداد و استعمار، مؤید این ادعاست. احکام و فتواهایی که این مرجع بزرگ صادر می‌کرده است، جهت فکری و عملی ایشان را درباره اعتلا بخشیدن به هویت سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی در برابر نفوذ اجانب، به اثبات می‌رساند. ۲۳

در ایامی که روس و انگلیس در اوج قدرت قرار داشتند و بازار ایران را از کالاهای خود پُر کرده بودند، آیت‌الله نجفی در حکمی محصولات و مصنوعات فرهنگی را تحریم کرد. این فتوا راه‌های نفوذ کفار را به جامعه اسلامی مسدود می‌ساخت و روح مقاومت و پایداری در برابر سلطه اجانب را به اهل ایمان تزریق می‌کرد. در یادداشت چارلز مارلینگ، کاردار سفارت انگلیس، درباره مبارزه‌های اقتصادی آقای نجفی و دیگر فقهای اصفهانی آمده است: از اصفهان به اطلاع رسیده که علمای آن جا در کار تربیتی هستند که نگذارند امتعه اروپایی به فروش برسد و به خریداران ایرانی که اهمیت دارند اعلان کرده‌اند که به کلی ترک معامله نموده و در مهلتی چهارماهه محاسبات خود را با تجارتخانه‌های اروپایی قطع کنند. در ادامه این گزارش تصریح گردیده است که استمرار این وضع به تاجران انگلیسی خسارت‌های زیادی وارد نموده و در سرمایه آنان خلل فاحش به وجود می‌آید. ۲۴

وقتی آیت‌الله نجفی کتباً امتعه روس اعم از خوراکی و پوشاک را تحریم کرد، تاجران اصفهان نظر به التزام عملی به شرع مقدس، نخستین اشخاصی بودند که این حکم محکم را اطاعت کردند و به طرف‌های معامله تلگرام کردند که از این تاریخ به بعد کالاهای روسی را برای آن‌ها ابتاع و حمل نکنند. ۲۵

روس‌ها به سال ۱۳۲۹ق از حریم مرزهای ایران گذشتند و بخش‌هایی از این سرزمین را اشغال کردند و طی اولتیماتومی کوشیدند خواست‌های خود را به ایران تحمیل کنند، آیت‌الله نجفی در این راستا ایستادگی کرد و علیه کسانی که می‌خواستند با قبول اولیه این اولتیماتوم، استقلال ایران را مضمحل و بدون هیچ عکس‌العملی، تسلیم زورگویی شوند، موضع‌گیری کرد. این مطلب در تلگراف‌ها، مکاتبات و ستیزهای کتبی ایشان با کارگزاران وقت، نیابت سلطنت و اعضای کابینه، و جواب آنان، انعکاس یافته است.

در تلگرافی که ایشان از اصفهان به تهران، مخابره کرده، آمده است: حضرت حجت‌الاسلام آقای صدرالعلماء! به اسلام‌فروشان اطلاع بدهید کاری نکنند که از اسلام خارج شوند، اخبار موحشه از خارجه و داخله می‌رسد، در چنین حادثه عظیمه که اسلام در خطر و مسلمانان اسیر کفار می‌شوند بدون تصویب عموم علما و ناظرین قوم اختتام ندهند. ملت ایران زیر بار ننگ نخواهند رفت، اسلام از مسلمانان یاری می‌طلبد، باعث خواری آن نشوند. ۲۶

مرحوم نجفی اصفهانی در مقابله با مبلغان مسیحی که در واقع پوششی برای فعالیت‌های عقیدتی سیاسی غرب بودند، جدیت داشت و با درایت و عکس‌العمل‌های مناسب با تحرکات مأموران و دیپلمات‌های خارجی برخورد می‌کرد، وی در خصوص نفی حاکمیت سیاسی بیگانگان، تحقیر مقام فرنگی‌ها در پیش روی مسلمانان و قابل نبودن هیچ‌گونه حقی برای اتباع غربی در امور جامعه اسلامی و جلوگیری از فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی سیاسی غرب که در جهت نفی هویت فرهنگ مذهبی و بومی بود، برخوردی قاطعانه، علنی و پیگیر داشت. او ضمن این که فعالیت‌های فرهنگی فرنگیان را خنثی می‌کرد، ایشان را وادار می‌نمود ضوابط اسلامی را رعایت کنند. ویکتور برار می‌نویسد: آقاجنقی به هنگام مذاکره با منشی کنسولگری در باب لزوم ایجاد فشار بر یهودیان، ارمنیان و حتی اروپائیان ساکن اصفهان درباره استفاده آنان از لباس و آداب و رسوم که با شؤونات اسلامی سازگار باشد، گفت‌وگو کرده است. ۲۷

آقا نجفی‌ از مداخله بیگانگان در امور قضایی ایران،

دشمن دیانت و استقلال ماست. ۳۶

مدرس درباره خطرهای این قرارداد در آبان ۱۳۰۳ش اظهار داشت: این قرارداد، بیگانه را در اقتصاد و قوه نظامی ما شرکت می‌داد، هر کس دقت می‌کرد منظور حقیقی عقادان آن را می‌فهمید، روح این قرارداد استقلال مالی و نظامی ما را از بین می‌برد! ۳۷

و هنگام بررسی این معاهده ذلت‌آور در مجلس، گفت: «هی می‌آمدند و می‌گفتند کجای این قرارداد بد است، بگویند تا برویم اصلاح کنیم، جواب دادم: همان ماده اولش است که می‌گوید ما انگلیسی‌ها استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم، آقا انگلیس کیست که استقلال ما را به رسمیت بشناسد، آقای وثوق الدوله چرا این قدر ضعیف هستند، او گفت: به ما پول داده‌اند، به او گفتم: آقا اشتباه کرده‌اید، ایران را ارزان فروخته‌اید.» ۳۸

از تلگراف کاکس به لرد کرزن برمی‌آید که مدرس در رأس مخالفان با این قرارداد بوده است، در بند اول این تلگراف آمده است: شدیدترین کسانی که مخالف قراردادند به سر کردگی شخص معروف، مُدرس و امام جمعه خویی است. ۳۹

به دنبال اعتراض علما روحانیان به قرارداد فریور، مردم ایران به مخالفت با آن برخاستند و شعرا و سخنوران در سروده‌هایی نفرت خویش را از این حرکت وقیحانه اعلام کردند و بدین نحو بزرگ‌ترین قدرت استعمار آن زمان یعنی انگلستان بر اثر مقاومت علما و مردم به زانو درآمد. ۴۰

دکتر محمدحسین مُدرس، فرزند خواهر مدرس، می‌گوید: در کنار مُدرس بودم که دو نفر آمدند، یکی فرنگی بود. پس از لحظه‌ای، مردی که مترجم بود، گفت: ایشان سفیر دولت انگلستان هستند، چکی به شما تقدیم می‌دارند، برای این که هر نوع صلاح بدانید آن را هزینه نمایید، آقا گفت: این چک چیست؟ مترجم گفت: برای است که بانک می‌گیرد و مبلغ مندرج در آن را می‌پردازد. مدرس خندید و گفت: به ایشان بگو من پول و چک قبول ندارم، اگر کسی خواست به من پولی بدهد، باید تبدیل به طلا کند و بار شتر نموده، ظهر روز جمعه، هنگام نماز به مدرسه سپهسالار(محل تدریس مدرس) بیاورد و آن‌جا اعلام کند؛ این محموله را قبلاً انگلستان با هر دولت دیگر برای مدرس فرستاده است، آن وقت من می‌پذیرم، بعد از ترجمه این سخنان، سفیر انگلیس مطالبی بر زبان آورد، مترجم به آقا گفت: سفیر می‌گوید: آقای مدرس قصد دارد حیثیت سیاسی ما را در دنیا نابود کند. مدرس با تبسم ملیحی گفت: به ایشان بگویند از نابودی چیزی که ندارید، خوف نداشته باشید. ۴۱

یک روز عصر که مدرس کنار باغچه منزل خود نشسته بود و به درد دل‌های زنی فقیر و درمانده گوش می‌داد، سه نفر وارد بیت ایشان گردیدند که بعداً مشخص گردید سفیر آمریکا، همسر او و یک نفر مترجم بودند. مدرس به تازه‌واردان بی‌اعتنایی کرد و معطشان نمود، سپس به اتاق رفت، آن‌ها هم به دنبالش راه افتادند، مدرس نظری به سفیر و همراهان افکند و چون همسر سفیر زنی زشت‌رو و آبله‌گون بود، قبل از آن که باب مذاکره باز گردد، گفت: من مطلبی دارم که باید مطرح کنم، سپس خاطرنشان ساخت: در مملکت ما رسم است که وقتی می‌خواهیم دختری را به همسری انتخاب کنیم، برخی زنان اقوام را به منزل عروس می‌فرستیم که مراقب باشند او عیبی نداشته باشد و بعد از گزارش این دیدار، در صورت پذیرش خانواده داماد، رسماً به خواستگاری می‌روند، آیا در شهرهای شما این رسم متداول نمی‌باشد که جناب سفیر آمریکا زنی به این زشتی و بدقیافه گرفته‌اند؟

به محض این که مترجم، اظهارات مدرس را به آگاهی سفیر رسانید، زن او از جای برخاست و به حالت قهر، خشم و عصبانیت از اتاق مدرس بیرون رفت، به دنبال وی سفیر و مترجم نیز از منزل مدرس خارج شدند. از آن فقیه فرزانه و سیاستمدار پرسیدند: چرا با آنان این‌گونه برخورد کردید، گفت: من در پی آن بودم تا باب مذاکره با سفیر آمریکا گشوده نشود و اکنون موفق شدم. ۴۲

ادامه در صفحه بعد

حدیث در ادب»، چاپ کردم. بعد آن را خدمت علامه بردم و چند روزی نزدشان بود. چون می‌خواستم روی آن کار کنم، یک روز رفتم خدمت ایشان و گفتم آقا جزوه را خواندید. گفتند: بله، و بعد از من تشکر کردند و از اینکه این کار را کرده بودم، خوششان آمد. خاطر من هست تعدادی از آنها را هم به ایشان تقدیم کردم.

چه شد که کتاب «سنن النبی» علامه طباطبایی را ترجمه کردید؟

این کتاب ارزشمند حدود سال ۱۳۵۰ هجری توسط علامه در دورانی که در نجف مشغول تحصیل بودند، نوشته شده. اواخر شعبان سال ۱۳۹۱ هجری در قم خدمت ایشان رسیدم و پیشنهاد دادم ترجمه‌ی این کتاب را انجام دهم. ایشان هم پذیرفتند. وقتی مشغول ترجمه و تطبیق روایات و مدارک بودم، به روایات دیگری در موضوع سنن برخورد کردم که از نظر علامه در مانده بود. آنها را در جزوه‌ای جمع‌آوری کردم و یک‌بار که در مشهد بودند، خدمتشان رسیدم و روایات جمع‌آوری شده را به ایشان دادم. ایشان پس از دیدن روایات فرمودند: این قسمت نیز به عنوان ملحقات به اصل کتاب اضافه شود؛ که به توصیه‌ی علامه باب دیگری به نام ملحقات به کتاب ضمیمه و چاپ اول آن سال ۱۳۵۴ شمسی منتشر شد. سنن سایر ائمه را نیز جمع‌آوری کردم و این موضوع را به علامه گفتم. ایشان گفتند: من هم قصد داشتم سنن ائمه را نیز بنویسم اما فرصت نکردم. اگر شما انجام دهید، کار خوبی است.

سنن حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را یادداشت کردم اما هنوز لازم است تکمیل شوند. دو تن از فرزندان من در قم طلبه هستند. آنها می‌توانند کمک کنند ولی نخواستم از دریشان بمانند. شاید روزی که من دیگر نباشم، آنها همت کنند و آن را چاپ کنند. توجه به سنن و نوشتن آن فکر علامه بود که تا قبل از آن کسی به آن توجه نکرده بود. البته لایه‌لای کتاب‌ها، درباره‌ی سنن مطالب زیاد است، اما کتاب مستقلی در این خصوص وجود ندارد. منبع: مجله آیه / شماره ۵۰

۲۵. روزنامه زاینده رود، ش ۲۵، سال ۱۳۲۹، ص ۲.
 ۲۶. همان، سال سوم، ش ۳۶، ص ۳، داستان‌های مدرس، ص ۱۲۶.
 ۲۷. انقلاب ایران، ویکتور برار، ص ۱۰۶.
 ۲۸. حکم نافذ آقا نجفی، سند ش ۲۰، ص ۳۰۶، کتاب.
 ۳۳. مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، ج ۱، ص ۶۲-۶۳.
 ۳۴. مدرس در تاریخ و تصویر، محمد گلین، ص ۱۹، یارانه شهید مدرس، ص ۱۶۹.
 ۳۵. مدرس قهرمان آزادی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۵۳.
 ۳۶. مدرس در پنج دوره تقنینیه محمد ترکمان، ج اول، ص ۱۹۴-۱۹۶.
 ۳۷. قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، ص ۲۷۴.
 ۳۸. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۲۰۳، داستان‌های مدرس، ص ۱۶۸-۱۶۹.
 ۳۹. شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده، ص ۱۲۴-۱۲۵.
 ۴۰. داستان‌های مدرس، ص ۱۶۸، همان، ص ۱۲۵.
 ۴۱. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۲۱۲.
 ۴۲. داستان‌های مدرس، ص ۱۴۷.
 ۴۳. حیات یحیی، میرزا یحیی دولت‌آبادی، ج ۴، ص ۱۴۳.
 ۴۴. گلشن ابرار، ج اول، ص ۴۸۵.
 ۴۵. زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، حسن مرسلوند، ج ۵، ص ۴۷۹-۴۸۰.
 ۴۶. سردار جنگل، ص ۱۱۷-۱۱۸.
 ۴۷. همان، ص ۱۲۱، ماه در محاق، عبدالرضا نکته سنج، ص ۹۰-۹۱.
 ۴۸. سردار جنگل، ص ۲۱۹-۲۲۰.
 ۴۹. همان، ص ۳۰۲.
 ۵۰. زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۵، ص ۴۸۰.
- منبع: فصلنامه فرهنگ پویا شماره ۳۱.



گرفتن دستور عرفانی از مرحوم علامه که از شاگردان مرحوم سیدعلی قاضی بودند، آن موقع برای شما باعث حرف و حدیث نشد؟

چرا، آن ایام برخی از طلبه‌های مقدس‌مآب که اتفاقاً رفاقتی هم با آنها داشتم، نسبت به این موضوع اعتراض کردند. می‌دانید که مقدس‌مآب‌ها با مسائل عرفانی میانه‌ای ندارند و در رد عرفان کتاب نوشته‌اند. یک‌بار با یکی از آنها که به لحاظ سنی از من بزرگ‌تر بود و اعتقاد خاصی به او داشتم و گاهی با هم درددل می‌کردیم، در حیاط مدرسه‌ی حجتیه ایستاده بودیم و صحبت می‌کردیم. یکدفعه به من گفت می‌خواهم حرفی به شما بزنم. گفتم بفرمایید. گفت: عده‌ای که به آنها عارف می‌گویند دستوراتی می‌دهند، حافظ می‌خوانند و... بعد از علامه‌ی طباطبایی اسم برد. همان‌جا فهمیدم منظور او از این حرف‌ها چیست. من هم دستوراتی از علامه داشتم و مشغول عمل به آنها بودم. او به خیال خود می‌خواست مرا راهنمایی کند تا از علامه دور شوم. با شنیدن این حرف او بدمن لرزید و یادم آمد که در میان مخالفان مسائل عرفانی از این حرف‌ها وجود دارد. پیش خود گفتم بگذار هر چه می‌خواهد بگوید. بعد از آن خودم را در مقابل او جمع و جور کردم. به خصوص اینکه من مسائلی را هم از زمان حضور علامه در نجف و استادشان مرحوم علامه قاضی که ایشان را تکفیر کرده بودند، شنیده بودم. اما آنجا خدا کمکم کرد که در این مسیر سست نشوم.

در درس تفسیر ایشان هم شرکت می‌کردید؟

هم در درس تفسیر و هم در درس فلسفه‌ی ایشان شرکت می‌کردم. ایامی که در درس ایشان شرکت می‌کردم، جزوه‌هایی با عنوان «سخنان کوتاه از پیشوایان دینی» چاپ کردم و درباره‌ی موضوع ادب سراغ تفسیر المیزان که علامه طباطبایی درباره‌ی آن از دو جنبه‌ی علمی و تاریخی بحث کرده، رفتم. از آنجا کلماتی را از ادب انتخاب و ترجمه کردم و هر جا نیاز به توضیح بود شرح دادم و در یک جزوه نوشتم. حدود ۴۰ حدیث از احادیث مربوط به ادب را که علامه در جلد ششم تفسیر المیزان نوشته‌اند، انتخاب کردم و با عنوان «چهل

در فرازی از مکتوب وی به مدیونانی آمده است: من خواهان استقلال ایران هستم و بقای عزت و اعتبار کشور را طالبم، هر کس در امور داخلی ما مداخله کند ما او را در حکم انگلیس و نیلکا و دربارمان مرتجع ایران می‌شناسیم، من آلت دست قوی‌تر از شما نشده‌ام، ما به شرافت زیست کرده‌ایم، همکاری ما با شما کارگزاران شوری غیر ممکن است؛ زیرا عقاید و عملیات شما از هر زهر هلاک‌کننده‌ای کشنده‌تر است، با این خیانت و سازش با انگلیس و دولت مستبد ایران [که انجام] داده‌اید، دیگر محال می‌باشد که به شما اعتماد کنیم. ۴۹. میرزا در جای دیگر می‌گوید: ما معتقدیم که قدم اول را برای آزادی برداشته‌ایم ولی خطر از جانب دیگر به سویمان روی آورده است؛ یعنی اگر از دخالت خارجی در امور کشور جلوگیری نشود، به مقصود نخواهیم رسید، تاریخ نشان می‌دهد که چندین بار سیاست دول بیگانه در کشور ما نفوذ کرد اما همین که خواستند آزادی و عزت ایرانی را سرکوب کنند مساعی‌شان عقیم ماند؛ اکنون که ملت ایران لذت آزادی را چشیده، دور ساختن از این نعمت غیر قابل تصور است. ۵۰.

۱۹. روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، سند ش ۵۶.
۲۰. مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، ج ۲، ص ۹۸.
۲۱. الگوی جهاد و اجتهاد، مسلم طهوری، ص ۹۲، به نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۱/۸/۱۰.
۲۲. آیت‌الله کاشانی رایت استقلال، علی محمدی، ص ۲۸-۲۹.
۲۳. حکم نافذ آقا نجفی، موسی نفی، ص ۱۱-۱۲.
۲۴. همان ص ۸۵، به نقل از مقاله محمد ترکان مندرج در مجله کیهان فرهنگی، ص ۱۳۶۵ ش.

علامه طباطبایی تکرارشدنی نیست

به عمامه خیلی اهمیت نمی‌دادند. آنجا بود که برای اولین بار شناخت ظاهری نسبت به ایشان پیدا کردم. بعد که به قم آمدم مرحوم علامه هم از تبریز به قم آمدند. ایشان را که در مدرسه‌ی حجتیه درس تفسیر داشتند، بیشتر شناختم. یک روز شنیدم جلد اول تفسیر المیزان چاپ شده، آن را خریدم و خواندم.

زمانی که از تبریز به قم آمدید، مجلس شده بودید؟

خیر، حدوداً ۱۶، ۱۷ ساله بودم. در آن سن نوجوانی چه چیزی شما را جذب مرحوم علامه طباطبایی کرد؟ درباره‌ی اخلاق علامه خیلی شنیده بودم و همین مرا جذب ایشان کرد. مرحوم علامه تجسم عرفان و معرفت‌الله بودند و چهره‌شان، چهره‌ای معنوی بود. ایشان بسیار کم‌حرف بودند. حتی پیش شاگردانشان، مگر اینکه آنها حرفی می‌زدند و سر صحبت باز می‌شد. پیش احدی تکیه نمی‌دادند. در اعیاد و مناسبت‌ها که منزل ایشان می‌رفتم، درست مثل یک طلبه رفتار می‌کردند. من خدمت علمای دیگر هم می‌رفتم، رفتار علامه شبیه هیچ کدام آنها نبود. طرز راه رفتن، نشستن و حرف زدن علامه، دومی نداشت. حیف است که امثال علامه از این دنیا می‌روند. ایشان بیشتر از پدرم به من خدمت کردند.

ارتباط شما با ایشان از چه زمانی جدی‌تر شد؟

مرحوم علامه طلبه‌ها را خوب می‌شناختند. قبل از اینکه ایشان را بشناسم، ایشان مرا شناختند (گریه می‌کند). مدتی ایشان را تعقیب می‌کردم و بعد از اتمام درسشان در مدرسه‌ی حجتیه تا درب منزلشان پیاده دنبال علامه می‌رفتم. یکی از نکاتی که اساتید اخلاق دنبال آن هستند، استقامت طلبه است. مرحوم علامه وقتی دیدند طلبه‌ی سمجی هستم، نسبت به من توجه پیدا کردند. بعد از آن کم‌کم خدمتشان رسیدم و ایشان هم ابتدا دستورات عرفانی را برای مجاهده با نفس به من دادند و من مشغول عمل به آنها شدم. اولین بار دامادمان شیخ علی پهلوانی تهرانی که شاگرد سلوکی علامه بود، برای من وقت گرفت تا نزد ایشان بروم، با هم خدمت ایشان رسیدیم و دامادمان مرا به ایشان معرفی کرد.

را مورد تحسین قرار می‌دهند. ۴۴. میرزا کوچک خان در نامه‌ای به لنین یادآور گردید: ما بر این باوریم که قدم‌هایی برای رهایی ایران از یوغ استبداد و استعمار برداشته‌ایم؛ اگر از دخالت‌های اجانب در امور داخلی کشور جلوگیری نشود ما هیچ وقت به هدف اصلی نخواهیم رسید و اکنون سلطه‌گری روسیه با نام دیگری آغاز گردیده است، ما نمی‌توانیم اختراعات انقلابی خود را که طی سال‌های فداکاری به دست آورده‌ایم محو کنیم و به حقوق ملت ایران خیانت کنیم. ۴۵. سران ارتش انگلستان که میرزا کوچک‌خان را مانع اجرای نقشه‌های خود، در شمال ایران می‌دانستند درصدد ترور وی برآمدند که در این باره ناکام ماندند. کلنل استوکس نماینده دولت بریتانیا پس از این نیرنگ ناموفق پیشنهاد کرد چنان‌چه کوچک جنگلی با بلشویک‌ها مخالفت ورزد و به دوستی با دولت انگلستان اعتماد کند، دولت بریتانیا حاضر است حکومت جنگل را به رسمیت بشناسد. میرزا پاسخ داد: اگرچه پیشنهاد شما به نفع ماست ولی قیام جنگل زیر بار چنین سلطه‌ای نخواهد رفت، برای من و همکارانم تشکیل حکومتی ولو مقتدر زیر نفوذ شما مقرون به افتخار نمی‌باشد. ۴۶. از این جهت رویارویی مسلحانه میان قوای انگلیس و نیروهای جنگل در بسیاری از شهرهای شمال ایران شدت گرفت. ۴۷.

میرزا در نامه به رئیس اتحاد تهران می‌نویسد: بنده به کلمات عقل فریبانه اعضا و اتباع دولت روس که منفور ملتند، فریفته نخواهم شد، از این پیش‌تر نمایندگان دولت انگلیس با وعده‌هایی که به سایرین دادند و قبالة مالکیت ایران را گرفتند، تکلیفم کردند، تسلیم نشدم، مرا تهدید و طمع از وصول به مقصود باز نخواهد داشت، وجدانم به من فرمان می‌دهد در رهایی وطنم از کف اجنبی بکوشم. ۴۸.

می‌گوید شاگرد سلوکی مرحوم علامه طباطبایی بوده و در سایه روشن اتاق آرام و صبور نشسته تا از استادش بگوید. به گفته‌ی خیلی از دوستانش مانند مرحوم علامه با لهجه‌ی ترکی شیرینی صحبت می‌کند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی فقهی این روزها کمتر حاضر به مصاحبه می‌شود؛ اما عشق و ارادت او به علامه طباطبایی که به تعبیر وی بیشتر از پدرش به او خدمت کرده، باعث می‌شود با همه‌ی سختی‌ها و مشقت‌هایی که انجام این گفت‌وگو برایش داشت، بیش از یک ساعت مقابلم بنشیند و از مرحوم علامه بگوید. سراسر فضای این گفت‌وگو همراه شد با بغض‌های گاه و بی‌گاه حجت‌الاسلام والمسلمین فقهی وقتی از استادش حرف می‌زد و آشک‌هایی که از پی هم چشمانش را تر می‌کرد.

تا به حال کسی به شما گفته که چهره‌تان شبیه مرحوم علامه طباطبایی است؟

بله، خیلی‌ها در قم و تهران این را به من گفته‌اند. مدتی پیش یکی از دوستانم که سید و روحانی است، عمامه‌ی مشک‌ی اش را روی سر من گذاشت و شروع کرد به خندیدن و گفت: حالا کاملاً شبیه علامه شدی و چند تا عکس از من گرفت.

اولین بار مرحوم علامه طباطبایی را کجا دیدید؟
قبل از اینکه برای تحصیل به قم بروم، درباره‌ی علامه طباطبایی شنیده بودم. حتی درباره‌ی ایشان از همان دوره که نجف اقامت داشتند، صحبت‌های زیادی شنیده بودم و ایشان را می‌شناختم، ولی هنوز او را رؤیت نکرده بودم. من در مدرسه‌ی علمیه‌ی طالبیه‌ی تبریز درس می‌خواندم و هنوز به قم نیامده بودم. مرحوم پدرم مرا به آن مدرسه فرستاد و آنجا با یک طلبه‌ی دیگر هم‌حجره شدم. مرحوم علامه بعد از اینکه از نجف به ایران برگشتند، مدتی در تبریز اقامت داشتند. یک روز خبر آوردند که علامه به مدرسه‌ی طالبیه آمده‌اند. رفتم ببینم علامه طباطبایی که این همه اسم‌شان را شنیده بودیم چه کسی است، چه جور عمامه گذاشته و چه جور لباسی پوشیده‌اند. برعکس تصور اتمان دیدیم یک سیدی آنجا نشسته و عمامه‌ی کوچکی هم به سرش بسته بود. بعضی‌ها عمامه را طوری می‌بندند که مثل کلاه می‌شود و اگر آن را ببندازی خراب نمی‌شود، ولی ایشان

ادامه از صفحه قبل
میرزا کوچک خان؛ قربانی مقابله با نفوذ
میرزا کوچک‌خان جنگلی (۱۲۹۱-۱۳۴۰ق) و یاران صادقش این واقعت را به اثبات رسانیدند که به دلیل التزام عملی به ارزش‌های دینی، پاسداری از حریم اسلام و جامعه مسلمان در برابر توطئه‌های استبداری به پا خاسته‌اند. یکی از مورخان معاصر اعتراف می‌کند: میرزا کوچک‌خان در این حال نهایت تحیر را دارد که تکلیف او چه خواهد بود؛ زیرا از یک طرف بیگانه هر که باشد راضی نمی‌شود که قشون او در خاک وطن بماند و از طرف دیگر چون علاقه‌مند به اسلام است، نمی‌خواهد عقاید کمونیستی پراکنده شود، این است که زحمت فکری او از زحمت جلوگیری کردن از تجاوز بلشویک‌ها و کمونیست‌مآبان که می‌خواهند در سایه نام او، حکومت، ریاست و تجدیدپروری نموده باشند، کم‌تر نیست.

اوایل ماه رمضان المبارک سال ۱۳۳۸ق، یکی از بستگان میرزا که در تهران اشتغال داشت، نزد نگارنده (میرزا یحیی دولت‌آبادی) آمد و گفت: میرزا چند سال است در کمال سختی در جنگل‌ها زندگی کرد، و حتی علف صحرا و برگ درختان خورده است اما حاضر نگردیده است به هیچ قوه بیگانه تسلیم گردد؛ اگر نفع شخصی داشت، روس‌های تزاری اول و آلمانی‌ها و عثمانی‌ها بعد از آن و انگلیسی‌ها اخیراً هرچه می‌خواست به او می‌دادند، بلکه قصدش این بوده و هست که به ملت و سرزمین خود خدمت کرده باشد. ۴۳.

میرزا در پاسخ به نامه فرمانده قزاقان تهران یادآور شد: در راه سعادت کشورم می‌کوشم، من و همراهانم در یک جهت و شما در خط مخالف ما حرکت می‌کنید اما باید آینده تاریخ را ارزیابی کرد که خرمندان جهان به کشته‌های ما مباحثات می‌کنند و یا پیروزی ظاهری شما

ادامه از صفحه اول

... هیکل ابتدا پیرامون دیدار خود با دانشجویانی که از دانشگاه تهران آمده بودند، مطالبی را بیان می کند و از گفتگو با آنان درباره ی مسائل مهم منطقه سخن می گوید. او در کتاب «توپخانه ی آیت الله» در این باره آورده است:

«... پس از مدتی، تعدادی از دانشجویان ایرانی که مستقیماً از دانشگاه آمده بودند به ما پیوستند. در پایان جلسه تعداد آنان بر یکصد نفر بالغ می شد. بحث هایی جدی و پویا مطرح شد و نکته ی مهمی که بر آن تأکید داشتند، این بود که اسلام تنها عاملی است که می تواند در برابر تهدیدات غرب مقاومت کند. همین مواضع بیانگر آن بود که هیچ یک از آنان تحت تأثیر اندیشه ی کمونیسم قرار نگرفته اند.

دانشجویان با وجود احترام زیادی که برای عبدالناصر و مصدق قائل بودند، چنین احساس می کردند که این دو نفر بیش از آنکه بر اسلام تأکید کنند، اندیشه های ملی گرایانه را مورد توجه قرار داده اند و همین امر موجب شده که «راه حل میانه» را - که از خطرات مختلف آکنده است - بپذیرند. از نگاه آنان اصطلاح «راه حل میانه»، در بردارنده ی القابات منفی بسیاری است.

به آنان گفتیم که من نیز قومیت گرایی عربی و پان عربیسم را باور دارم و در باور خود ثابت قدم هم هستم. همچنین به آنها توضیح دادم که «دو عامل اصلی موجب شده که اعراب به یک «امت» تبدیل شوند و آن دو عامل عبارتند از: زبان و تمدن؛ از این رو، هنگامی که از تاریخ اعراب یا قومیت عربی سخن می گوئیم، در واقع به نوعی از اسلام نیز سخن گفته ایم. اما آنان این نظر مرا نپذیرفتند». (مدافع آیت الله ص ۴۰، چاپ قاهره)

این اظهارات هیکل بیانگر آن است که تمامی باورها و رویکردهای دانشجویان پیرو امام خمینی، مبتنی بر اسلام بوده است و آنان بحق در خصوص اقدامات با بینش صرفاً ملی، محمد مصدق و جمال عبدالناصر نگرش مثبتی نداشته اند.

هیکل در بخش دیگری از کتاب توپخانه های آیت الله آورده است: «... سه تن از اعضای اصلی جریان مخالف رژیم شاه به نام های ابراهیم یزدی، صادق قطب زاده و مصطفی چمران که پس از انقلاب در دولت جدید مناصب مهمی را عهده دار شدند، در آن دوره توانستند خود را به مصر برسانند. آنان پس از ورود به قاهره در اواسط دهه ی ۱۹۵۰، با مسئولان بخش پناهندگان سیاسی در سازمان اطلاعات مصر، تماس گرفتند و تمایل خود را برای فراگیری فنون نظامی و کاربرد اسلحه اعلام داشتند، زیرا به این نتیجه رسیده بودند که جنگ های چریکی تنها راه باقیمانده برای مبارزه با رژیم شاه است. آنها پس از مدتی به پادگان انشاص در حومه ی قاهره - که در گذشته از املاک متعلق به ملک فاروق به شمار می آمد - اعزام شدند. پادگان مذکور به محلی برای آموزش اعضای نهضت های آزادی بخش کشورهای مختلف تبدیل شده بود.

ایرانیان در آنجا و در کنار مبارزانی از فلسطین، اریتره و دیگر کشورهای آفریقایی تحت آموزش قرار گرفتند، اما پس از مدتی کوتاه، میان آنها و میزبانان مصری اختلاف پدید آمد، زیرا بخش مربوطه در سازمان اطلاعات مصر، از پناهندگان ایرانی خواسته بود در رادیوی فارسی زبان قاهره، مشغول کار شوند و علیه شاه فعالیت کنند، اما ایرانیان نپذیرفتند و تأکید کردند که تنها برای فراگیری فنون نظامی به مصر آمده اند و با حرف و شعار نمی توان رژیم شاه را سرنگون کرد. مصری ها می خواستند مبارزان ایرانی را متقاعد کنند و به آنها بقبولاند که مبارزه ی مسلحانه در ایران تقریباً غیرممکن است و تا زمان آغاز انقلاب، تبلیغات و برنامه های رادیویی سلاحی مؤثر خواهد بود، اما موفق نشدند. به هر حال اختلاف ادامه یافت و ایرانیان، که تعداد آنان به پنجاه نفر بالغ شده بود، تصمیم به ترک مصر گرفتند و برخی از آنان

حدیث روزگار - ۴

توپخانه آیت الله!

استاد سید هادی خسروشاهی

شنبه ۲۰/۷/۲۰

البته باید گفت حسنین هیکل بیش از هر شخص دیگری از وقایع آن دوره آگاهی دارد، حتی یک بار هم ادعا نکرده است که عبدالناصر در این دوره، به نحوی

به ایالات متحده و گروهی دیگر برای آموزش بیشتر به لبنان رفتند. ... البته با وجود فعالیت مزدوران شاه و سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) و موساد اسرائیل، که با تمام توان در منطقه حضور داشتند، ایرانیان در مصر

از امنیت مطلوبی برخوردار بودند». (مدافع آیت الله، چاپ قاهره، ص ۹۸)

این جملات، ترجمه متن نوشته ی حسنین هیکل است که پیش از این هم بخشی از آن را در کتاب خود، «امام خمینی و جمال عبدالناصر» از نوشته های عادل حموده نقل کرده ام. بر این اساس، بار دیگر این حقیقت مورد تأکید قرار می گیرد که اختلافی جدی و عمیق میان طرفین مصری و ایرانی پدید آمده بود؛ زیرا دولت قاهره معتقد بوده که تبلیغات رادیویی علیه شاه باید توسط آنان ادامه یابد، اما ایرانیان تنها وظیفه ی خود را پرداختن به آموزش نظامی می دانستند. در واقع مصری ها می خواستند از مبارزین ایرانی، به عنوان ابزار در راستای اهداف ملی گرایانه خود استفاده کنند و

آنها با حفظ استقلال خود، تنها به آموزش نظامی علاقه نشان داده اند.

البته اختلافات دیگری نیز میان طرفین وجود داشته است، از جمله اینکه مصری ها به شدت طرفدار قومیت گرایی عربی و پان عربیسم بودند، اما مبارزان ایرانی خواهان تأکید بر وحدت اسلامی بودند، که این مطلب را آقای دکتر یزدی به تفصیل در نامه خود بر من نوشته است.

همچنین نقش دولت مصر در مخالفت با رویکردهای ایران در خلیج فارس را نمی توان نادیده گرفت، زیرا رژیم شاه نخست خواهان الحاق بحرین به خاک ایران و ایفای نقش در کشورهای امیرنشین عرب بود و مصر بزرگ ترین مانع به شمار می آمد و دولت مصر در این زمینه به اندازه ای تندروی کرد که ایرانیان آزرده خاطر شدند.

اختلاف عمیقی هم پیرامون تلاش مصر برای تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی وجود داشت، زیرا برادران ایرانی معتقد بودند که خلیج فارس در طول تاریخ به همین نام نامیده شده است، اما سران نهضت ژوئیه مصر آن را خلیج عربی نامیدند و این موجب تشدید اختلاف میان طرفین بود.

دکتر محمدابراهیم شهدا استاد تاریخ دانشگاه مصر و رئیس مرکز اسناد و پژوهش های علوم انسانی، در بررسی پیرامون این موضوع آورده است: «بی تردید انقلاب ژوئیه ی مصر در احیای نهضت های ملی در کشورهای خلیج نقش داشت و نمونه ی آن را می توان در فعالیت های سیاسی مردم بحرین علیه حکومت وقت و نیز علیه حضور بریتانیا در این منطقه مشاهده کرد. این فعالیت های سیاسی از سوی تشکیلی به نام اتحادیه ی ملی بحرین صورت می گرفت و بارزترین نمونه ی آن برپایی تظاهرات اعتراض آمیز مردمی، هنگام سفر وزیر خارجه ی وقت بریتانیا «لوئید» به بحرین بود. این اعتراضات به حدی شدید بود که خودرو حامل وزیر بریتانیایی را وادار به توقف کرد. این اقدامات به نوعی اعلام تأیید و حمایت از انقلاب مصر به شمار می آمد و در عین حال نشانگر خشم و ناراضی مردم بحرین از حضور ناخواسته ی بریتانیا در این منطقه بود.

همچنین انقلاب (!) مصر تأثیر مهمی در تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی (!) داشت. البته این خلیج در طول تاریخ خلیج فارس نامیده شده است. زیرا امپراتوری فارس در عرصه ی بین المللی تأثیر مهمی داشت، اما آن سوی سواحل خلیج (کشورهای عربی) در صحنه ی بین المللی حضور و نقشی نداشتند. اما انقلاب مصر در نامیدن این خلیج به نام خلیج عربی نقش مهمی را ایفا کرد». (روزنامه ی الاهرام، قاهره، شماره ی ۴۲۲۲۹،



بدرخشد، خشنود نبود و احساس می کرد که باید او را سر جای خود نشاند، این بود که در یک پیام رادیویی خطاب به علمای ایران، بدون آنکه نامی از خمینی ذکر کند، نظر آنان را در مورد «یک رهبر دینی مشهور شیعه که برای دریافت کمک مالی از غیرشیعیان اعلام آمادگی کرده» جویا شد. (مدافع آیت الله، ص ۱۱۵)

فردای آن روز خمینی به شاه چنین پاسخ داد: «وقت آن رسیده که تقیه را پایان دهیم و آنچه را باور داریم، علناً اعلام کنیم». سپس با اشاره به بخشی از گفته های شاه در رادیو، تصریح کرد: «من به پول نیازی ندارم. هدایایی که به من می رسد، برای همه ی نیازها کفایت می کند. اموالی که جمال عبدالناصر فرستاده، برای من ارسال نشده بود، بلکه برای کمیته ی امداد و رسیدگی به امور بی سرپرستان و یتام بود، همان کسانی که در دوران حکومت شاه، پدرانسان را از دست داده یتیم و بی سرپرست شده اند. من از این فرصت استفاده می کنم و عدم

جواز تقیه را اعلام می کنم».

این بخش از مطالب هیکل، در واقع از اساس بی پایه و نوعی «جعل حدیث» ناشیانه است و به طور فهرست وار می توان اشاره نمود که:

۱- امام خمینی، هیچ وقت نامه ویژه خطاب به سران کشورهای عربی و اسلامی نفرستاده، بلکه در یک نامه کلی، خطاب به رؤسای بلاد اسلامی و عربی خواستار پشتیبانی از ملت ایران و افشای رژیم شاه شد و هرگز در آن نامه، که در مجموعه «صحیفه امام» متن کامل آن آمده است، خواستار کمک مالی نشده است که جناب عبدالناصر، بابت آن ۱۵۰ هزار دلار، آن هم توسط عبدالحمید سراج سوریه ای رئیس سازمان امنیت سوریه بفرستد.

۲- شخصی که در فرودگاه تهران دستگیر شد، پس از تحقیقات و طبق نوشته سرهنگ پژمان، رئیس اداره ضدجاسوسی در ساواک، شاگرد یک مغازه جواهرفروشی از بیروت بوده که برای خرید طلا و جواهر، همراه مبلغی پول نقد، به ایران آمده بود که در فرودگاه بازداشت می شود و رژیم با پرونده سازی، می خواهد نهضت امام خمینی را متهم به وابستگی به خارج از کشور بنامد (رجوع کنید به کتاب سرتیپ منوچهر هاشمی «داوری و کارنامه ساواک» چاپ لندن ۱۹۹۰ م)

۳- جملات و بیاناتی که در کتاب هیکل، به عنوان پاسخ امام به شاه نقل شده، مطلقاً صحت ندارد و همه بیانات و سخنان و نامه های امام در مجموعه ۲۲ جلدی با عنوان صحیفه امام چاپ شده، موجود نیست و معلوم نیست که آقای هیکل این جملات منقول را از کجا آورده است.

۴- اصولاً در آن دوران «کمیته امداد» تأسیس و تشکیل نشده بود تا امام بفرمایند که «اموالی که جمال عبدالناصر فرستاده» مربوط به کمیته امداد بوده است نه شخص من؟...

۵- موجب تعجب است که امام درخواست کمک! برای ایتم و خانواده های شهدای ۱۵ خرداد سال ۴۲ را پس از ۱۰ سال مطرح کنند و اموال! عبدالناصر هم به کمیته ای که هنوز تشکیل نشده بود، برای کمک به آنان منتقل گردد!

۶- سخنی که از قول شاه نقل می شود، لجن پراکنی وی دو روز پس از بازداشت امام و انتقال ایشان به زندان تهران مطرح شد و امام در آن ایام آزاد و در قم نبود که این پاسخ را در «مدرسه خود» در رد شاه مطرح سازد.

۷- اصل فتوای تقیه حرام است ولو بلغ مبلغ، مربوط به سال ها قبل است، نه تاریخی که آقای هیکل تعیین می کند.

ادامه در صفحه بعد

حمایتی از امام خمینی انجام داده باشد، بلکه به گفته ی وی، کسانی که برای جلب حمایت مصر به این کشور رفته اند، برخی از اعضای نهضت آزادی در خارج از ایران بوده اند و در این خصوص هیچ ارتباطی هم با امام خمینی نداشته اند.

سندی که در این باره وجود دارد، نامه ای است که آقای دکتر ابراهیم یزدی برای ما ارسال کرده و در آن، بر این نکته تأکید نموده است که گروهی که برای درخواست کمک و حمایت در فراگیری فنون نظامی عازم مصر شدند، در این گزینه، هیچ ارتباطی با امام خمینی نداشته اند.

به عقیده ی ما نوشته های هیکل و نامه ی دکتر یزدی، دلیل قاطعی بر صحت و حقیقت این موضوع «عدم ارتباط مصر با امام» بوده و حقیقت آن را به طور کامل آشکار می کند و نادرستی روش تحریف آمیز و گمراه کننده ی فتحی الدیب و دیگر قومی گرایان ناصری را به اثبات می رساند و جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که آن کتاب ها و مقاله ها، بر اساس وهم و خیال یا دستور و مواجه، شکل گرفته اند و به طور طبیعی هر آنچه بر این پایه بنا شده باشد، باطل و بی اعتبار خواهد بود.

استاد حسنین هیکل در بخش دیگری از کتاب «توپخانه های آیت الله»، پیرامون موضوع امام خمینی در قبال داستان پردازی در ماجرای دریافت کمک از عبدالناصر می گوید: «در آن زمان نیز خمینی در کنار امور دینی از فعالیت سیاسی هم غافل نمی شد. وی اقداماتی به منظور کمک به خانواده ی افرادی که بر اثر کودتای ۲۸ مرداد کشته یا ناپدید شده و یا ناچار به زندگی در تبعید بودند، انجام داد. نامه هایی هم به سران کشورهای اسلامی و عربی ارسال کرد و از آنان در این زمینه کمک خواست. از میان همه ی کسانی که آن نامه ها را دریافت کردند، تنها جمال عبدالناصر پاسخ مثبت داد. در آن زمان مصر و سوریه در قالب «جمهوری متحد عربی» به یک کشور تبدیل شده بودند. عبدالناصر فرمان داد که ۱۵۰ هزار دلار از طریق سازمان اطلاعاتی که عبدالحمید سراج ریاست آن را به عهده داشت، به ایران ارسال شود و در اختیار کمیته ی امور خیریه قرار گیرد. یکی از لبنانیان تحت امر سراج، با مبلغ مذکور فرودگاه بیروت را به مقصد تهران ترک کرد، اما هنگامی که به فرودگاه تهران رسید، دستگیر شد. ظاهراً ساواک یا سازمان های مرتبط با آن (سیا) و یا موساد) شخص مورد نظر را در فرودگاه شناسایی کرده بودند.

طبعاً تمامی گفته ها و اقدامات خمینی به اطلاع شاه می رسید و شاه از اینکه ستاره ای در آسمان علمای دین

و پاکستان، بدون در نظر گرفتن حل مسالمت آمیز مسئله کشمیر امری غیر قابل تصور است و دولت هند باید به این مسئله اصلی نیز توجه داشته باشد که مسلمانان در هند بخش زیادی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و توجه به حقوق آنها نیز امری طبیعی و شایسته به نظر می رسد. متشنج شدن اوضاع امنیتی در منطقه جامو و کشمیر و کشتار مسلمانان این منطقه خشم و انزجار مسلمانان جهان را نسبت به کشتار ساکنان مظلوم و ستمدیده کشمیر را به دنبال خواهد داشت. دولت هند با توجه به اصل گفتمان و حل مسایل ارضی و منطقه ای باید با پاکستان وارد گفتگو و مذاکره شود و از اعمال فشار و رفتارهای غیر انسانی بر علیه مسلمانان این منطقه دست بکشد.

سازو کارهای انجام مذاکرات بین هند و پاکستان در زمان ریاست جمهوری «پرویز مشرف» رئیس جمهور اسبق پاکستان و نیز «منموهن سینگ» نخست وزیر سابق هند در «کاتماندو» پایتخت نپال برنامه ریزی و پیش نویس این مذاکرات نیز تهیه شده است که منموهن سینگ آنرا در اختیار ناردرا مودی قرار داده است. دولت هند موظف است به اصول مذاکره بین دول برای پایان دادن به مناقشات مرزی و منطقه ای پایبند بوده در راستای عملی کردن مذاکرات قدم بردارد. مذاکرات هند و پاکستان در سالهای اخیر با افت و خیزهایی مواجه بوده است و عناصر تروریستی با انجام عملیات تروریستی در شهر بمبئی و نیز حمله به پایگاه هوایی «پتان کوت» در ایالت پنجاب هند از ادامه مذاکرات بین دولت های هند و پاکستان جلوگیری کردند و تا حدودی مذاکرات صلح بین دو کشور به حالت تعلیق درآمد. بی شک مسئله کشمیر از موضوعاتی است که باید در مرحله اول مورد توجه طرفین قرار گیرد چون ریشه اختلافات و درگیری ها به نظر تمام کارشناسان منطقه در حل مسئله کشمیر نهفته است.

منبع: مهر

او سؤال کردم: ولی در زمینه روحانیان نقش رهبری را ایفا می کنند و من نمی دانم که چطور آنها خواهند توانست در مسائل اقتصادی، سیاست های بین المللی، مشکلات عصر فضا و تکنولوژی و غیره اظهار نظر نمایند؟ جواب داد: آیا همه آثانی که در کشورهای غربی حکومت می کنند در تمامی زمینه هایی که بدان اشاره کردید، تخصص دارند؟ در اینجا به او گفتم که شما توانستید یک امتیاز به نفع خود بگیرید. آنگاه سایه خنده بر لب های همیشه ذکر گویش نمایان گردید.» (۱) (روزنامه الاهرام، چاپ قاهره، مورخ ۱۳۶۷/۶/۷، مقاله محمدحسین هیکل)

... و این بود خلاصه ای از نتایج سه دیدار با محمد حسنین هیکل، درباره امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران... و برای ادای حق باید گفت که محمد حسنین هیکل علیرغم اعتقاد راسخ! به قومیت عربی و اخلاص کامل به السید الرئیس! همواره از انقلاب اسلامی ایران، مقاومت حزب الله و دیگران دفاع کرده و از مسئولین کشورهای عربی به شدت انتقاد نموده که فرصت روابط حسنه با ایران را به تهدید علیه منطقه، تبدیل کرده اند... به هر حال نقاش ما با هیکل، به اصطلاح یک نقاش «بصراحه» به قول وی و یک نقاش «طلیگی» به قول بنده بود و هدف موضع گیری سیاسی خاص و یا نقد غیرمنطقی افکار وی نبود که خود هیکل این نکته را پس از توضیح پایانی من، قبول داشت و در واقع از من تشکر نمود.

۱. پنجاه تصویر از امام و ایران، پس از انقلاب اسلامی. ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صفحه ۸۸- ۹۰. چاپ تهران.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی - شماره ۱۰۵۳۳ - یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۵

صدای مظلومیت مسلمانان کشمیر

کشمیر به مرکزیت «مظفر آباد» در اختیار پاکستان قرار گرفت. درگیری بین هند و پاکستان تا سال ۱۹۴۹ ادامه داشت و با میانجیگری سازمان ملل در این منطقه آتش بس اعلام شد و قرار بر آن شد طرفین طی مذاکراتی مسالمت آمیز مسئله کشمیر را حل و فصل نمایند. با گذشت بیش از شصت سال از استقلال هند و پاکستان مسئله کشمیر تا بحال حل نشده باقی مانده است و تعداد بیشماری از مسلمانان این منطقه قربانی جنون و زیاده خواهی آل هندود شده اند. کشتار مسلمانان جامو و کشمیر به امری عادی برای هندوها تبدیل شده است و آنها هرگز راضی به این امر نیستند تا بر اساس قطعنامه های منعقد شده در سازمان مسئله کشمیر را با پاکستان حل و فصل نمایند.

سید علی گیلانی، میر واعظ عمر فاروق، یاسین ملک از جمله رهبرانی هستند که قیام مسلمانان منطقه جامو و کشمیر را رهبری می کنند و با برپایی تظاهرات و راهپیمایی های مسالمت آمیز صدای مظلومیت مسلمانان کشمیر را در دنیا طنین انداز کرده اند. دولت هند در ادوار مختلف «یاسین ملک» را مورد شکنجه و آزار و اذیت جسمانی قرار داده است. پاکستان نیز از حق حاکمیت خود بر منطقه کشمیر دست بر دار نبوده و از طریق سازمان های بین المللی در تلاش است مسئله کشمیر حل و فصل شود تا مسلمانان این منطقه بتوانند با صلح و آرامش به زندگی خود ادامه دهند.

۱۸ تیر ماه نیروهای امنیتی هند «برهان وانی» رهبر جوان و ۲۲ ساله «حزب المجاهدین» را به شهادت رساندند. شهادت «برهان وانی» خشم و انزجار مسلمانان را از آل هندو برانگیخت. مراسم خاکسپاری «برهان وانی» تبدیل به اعتراضات گسترده در منطقه جامو و کشمیر شد و مردم با نیروهای امنیتی در این منطقه درگیر شدند و دستکم ۳۰ تن از مسلمان در منطقه بدست نیروهای امنیتی شهید و بیش از ۳۰۰ نفر نیز زخمی شدند. ندای آزادی خواهی مسلمانان کشمیر در منطقه طنین انداز است اما رسانه ها از انتشار کشتار مسلمانان این منطقه و ظلم و ستم آل هندو چشم پوشی کرده اند.

دولت هند علاوه بر کشتار مسلمانان در این منطقه

«الاهرام» به چاپ رسیده است، بی مناسبت نخواهد بود... هیکل می نویسد:

«... در مورد آیت الله خمینی بایستی بگویم که وی بزرگترین شخصیت معروف و در عین حال ناشناخته در جهان به شمار می آید؛ زیرا مردم او را می شناسند و درباره اش موضع گیری کرده اند؛ ولی زندگی و ساختار شخصیتی او پیچیده تر از این نوع موضع گیری ها است. از این رو آیت الله موسوی خمینی یک پدیده انسانی بسیار پیچیده است. من پس از اولین ملاقات با وی در نوفل لوشاتو (روز بیست و سوم سپتامبر ۱۹۷۸ م) با حیرت او را ترک کردم و این در حالی بود که حدود پنج ساعت با او بودم. ابتدا از سوی اطرافیان ایشان مورد استقبال قرار گرفتم و بعد وارد سالتی که آیت الله در آن می نشست، شدم. آیت الله خمینی وقتی مرا دید با لبخند از جا برخاست. سپس به مدت بیش از دو ساعت با او مصاحبه کردم. آنگاه برای ادای نماز راهی محوطه ای شدیم که قبلا پارکینگ بود، همراه با بیش از دویست نفر از طرفدارانش که از مناطق مختلف جهان برای شنیدن صدای او به «نوفل لوشاتو» آمده بودند، پشت سر آیت الله خمینی نماز را به جا آوردیم. وی پس از ادای نماز رو به روی ما نشست و برای حاضران صحبت کرد.

بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه های اروپا و امریکا جزء دیدار کنندگان بودند و سخنان او که بسیار متنوع بود، تأثیر آشکاری بر این عده داشت.

سپس به خانه بازگشتم و شام را در همان جا تناول کردیم. نزدیک نیمه شب که به پاریس برگشتیم، در طول راه فکرم مشغول بود و نتوانستم تصمیم قاطع بگیرم. من او را فردی خوش برخورد، سخنور و معتقد دیدم و با او غذا خوردم. ولی با وجود این احساس کردم که قادر به اتخاذ موضع قاطعی در مورد او نیستم!

بار دوم او را در قم، شهر مذهبی ایران ملاقات کردم. به طرف بام منزلش که دو طبقه بود رفتم و

نیروهای امنیتی هند در روزهای اخیر پس از شهادت «برهان وانی» رهبر «حزب المجاهدین» دست به کشتار مسلمانان منطقه جامو و کشمیر زده اند.

انگلیسیها پس از آنکه کشور هندوستان را به تصرف خود درآوردند و سالیان متمادی بر این کشور حکمرانی کردند در سال ۱۹۴۷ میلادی با توطئه ای از پیش تعیین شده هند را بر اساس اختلافات دینی و زبانی به دو بخش تقسیم کردند و بذر دشمنی را بین مسلمانان و هندوها کاشته و از این سرزمین رخت بر بستند.

در ابتدا مسلمانان و هندوها تحت لوای حزب کنگره و رهبری «ماهاتما گاندی» و «محمد علی جناح» برای بدست آوردن آزادی و رهایی از بردگی انگلیسیها تلاش طاقت فرسایی انجام دادند و بالاخره توانستند دست استعمار پیر بریتانیا را از سر هندوستان کوتاه کنند. مسلمانان زمانی که احساس کردند نمی توانند با هندوها متحد شده و برای احقاق حقوق حقه خود دست به مبارزه با انگلیسیها بزنند در سال ۱۹۰۶ میلادی حزب «مسلم لیگ» را به وجود آوردند. حزب مسلم لیگ به رهبری محمد علی جناح و «محمد اقبال لاهوری» خواستار سرزمینی برای مسلمانان شد تا آنها بتوانند با آزادی کامل در سایه افکار دینی و مذهبی خود زندگی کنند و قوانین اسلامی را در کشور خود به آسانی به اجرا درآورند. پاکستان در ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ استقلال خود را از هند به رهبری محمد علی جناح اعلام کرد و ایالت سند، بلوچستان، سرحد (خیبر پختونخواه امروزی)، بخشی از ایالت پنجاب و نیز منطقه جامو و کشمیر به پاکستان اختصاص یافت چون این مناطق جمعیت زیادی از مسلمانان را شامل می شد. اما «کلاب سینگ» از مهاراجه های منطقه کشمیر که در زمان حکومت انگلیسیها حاکم منطقه مسلمان نشین جامو و کشمیر بود پس از آزادی هند در ۱۵ اوت سال ۱۹۴۷ طی توافقنامه ای با دولت وقت هند حاکمیت جامو و کشمیر را در اختیار دولت هند قرار داد. اما در این میان بر اساس توافقنامه هند و پاکستان منطقه جامو و کشمیر باید به پاکستان داده می شد و پس از آن هند طی حمله ای بخش اعظمی از جامو و کشمیر را به مرکزیت «سرینگر» در اختیار گرفت و بخش دیگری از

ادامه از صفحه قبل

۸- فتوای امام خمینی کاملاً واضح و آشکار است: روحانی شیعه نمی تواند از غیرشیعیان اموالی دریافت کند، زیرا به طور خلاصه می توان گفت که اموال کافی از سوی مریدان و پیروان مراجع در قالب وجوه شرعیه، به آنان واصل می شود و به اموال و مبالغ دیگر نیازی ندارند. طبیعی است که امام خمینی هم با توجه به شخصیت تأثیرگذار خود، هر وقت که اراده می کردند، می توانستند هر مبلغی را که لازم باشد به راحتی از سوی شیعیان ایران و سراسر جهان، دریافت کنند.

اصولاً باید گفت: این ماجرا ابعاد ابهام آمیز و پیچیده دیگری دارد و در واقع یکی از بازی های سیاسی تبلیغاتی بوده است که شاه و یادی او - همچون دیگر حکومت ها! - به راه انداخته بودند و همانطور که اشاره شد یکی از افسران عالی رتبه ی سازمان اطلاعات شاهنشاهی در کتابی که در سال های اخیر در لندن منتشر شده، پیرامون این موضوع - که در آن روزها بحث ها و جدل های فراوان در روزنامه های ایرانی پدید آورده بود - توضیح داده و حقایق را بیان کرده است که متن کامل آن را در کتاب امام خمینی و جمال عبدالناصر آورده ام.

و در پایان باید گفت که نوشته های حسنین هیکل پیرامون همکاری میان ایرانیان و حرکت ژوئیه ی مصر، از چهره ی حقایق پرده برداشته و با اینکه دارای اشتباهات فاحشی است که ناشی از عدم شناخت دقیق ماهیت انقلاب اسلامی ایران و شخصیت ذو ابعاد رهبری آن است، در کل می تواند نمائی از چهرهٔ مبانی کل انقلاب و چگونگی حوادث آن دوران ترسیم نماید. و البته بررسی کامل کتاب آقای هیکل - توپخانه های آیت الله - نیاز به فرصت بیشتری دارد که امیدواریم اهالی تحقیق تاریخ معاصر، به آن بپردازند...

برای شناخت دیدگاه واقعی محمدحسین هیکل درباره شخصیت امام، نقل آخرین مطلب او که در

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۸
◄ شماره مسلسل ۱۵۲۸
کتابخانه
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

اشاره:

کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وابسته به دفتر حضرت آیت الله سیستانی است؛ در سال ۱۳۷۶ عملا با هفت هشت هزار جلد کتاب تأسیس شد؛ کتاب های تفسیر و علوم قرآنی در حد امکان، محدودیت زمانی و مکانی نداریم؛ یعنی هر چه و در هر مکانی درباره قرآن و علوم قرآنی نوشته شده است و امکان دسترسی به آن داشته باشیم را تهیه می کنیم؛ به برخی از کشورها که دسترسی بیشتری داریم، منابع بیشتری تهیه و در بعضی کشورها با توجه به محدودیت هایی دسترسی کمتری داریم.

غیر از منابع تفسیر و علوم قرآنی مربوطه، برخی از کتاب های دیگر که نیازمندی اولیه محقق و مراجعه کننده را برطرف می کند، تهیه کرده ایم و در کتابخانه موجود است تا در حد پایین برای رفع نیازهایشان راه گشا باشد؛ مثلا دو دوره تاریخ اسلام، شرح حال عالمان و مؤلفان جهان اسلام، دانش نامه ها و دایره المعارف ها و غیره وجود دارد.

در این کتابخانه منشورات نیز موجود است؛ یعنی مجموعه ای به نام ثراث الشیعه القرآنی درست می کنیم که رساله ها و نوشته های کوتاه قرآنی که در طول قرن ها نوشته شده و در کتابخانه ها به صورت نسخه خطی است را شناسایی و بازخوانی و تحقیق می کنیم و به چاپ می رسانیم که تا کنون هفت جلد آن منتشر کرده ایم و سه چهار جلد آن در حال انتشار است.

خبرگزاری رسا به گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی مهدوی راد، مدیر کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نشسته تا به معرفی این کتابخانه بپردازد که تفصیل آن در زیر ارائه می شود.

آیا کتاب های تفسیر و علوم قرآنی موجود در این کتابخانه مربوط به تمامی مذاهب اسلامی است یا تنها به تفاسیر شیعه محدود می شود؟

کتاب های این کتابخانه در دو حوزه کلان تفسیر و علوم قرآن(مباحث مقدماتی مرتبط با قرآن) تقسیم می شود؛ هر چند که کامپیوتر برای جست و جوی کتاب مورد نیاز موجود در کتابخانه قرار دارد، اما به لحاظ چینش درون کتابخانه ای سعی کرده ایم داخل کتابخانه را به صورت موضوعی تنظیم کنیم؛ یعنی همه تفسیر های نَحله ها(شیعه و سنی) در جای خاصی قرار دارد و به عنوان مثال حتی کتاب های تفسیری اهل سنت به تفکیک اشعری ها، معتزلی ها، متمدی ها و غیره به صورت جدا هستند و هر کدام در داخل خود به صورت تاریخی چیده شده است.

در علوم قرآنی که حوزه اثر گذاری مذاهب این گونه خیلی جدی نیست، موضوعات به صورت محتوا چیده شده است، یعنی کتاب های مرتبط با ناسخ و منسوخ در یک جا، محکم و متشابه و همچنین کتاب های درباره تفسیر به صورت جداگانه تقسیم بندی شده اند.

از دیگر ادیان و مذاهب کتابی در کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی موجود است؟

همچنین کتابهای مقدس ادایان پذیرفته شده از جمله مسیحیت و یهودیت را هم خریداری می کنیم؛ یعنی انواع و اقسام انجیل ها و تورات های موجود و شرح، تفسیر و کتاب های انجیل ها و تورات های نوشته شده را تهیه می کنیم.

کتاب های موجود در این کتابخانه به چند زبان است؟

بخش اعظم کتاب های کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی به زبان عربی است و بخش قابل توجهی نیز به زبان فارسی است؛ سایر زبان ها از جمله اردو و انگلیسی کمتر است؛ تقریبا حدود ۴۰ هزار جلد کتاب داریم؛ سلسله آثار متفرقه نیز در این کتابخانه وجود دارد که در مجموع شاید به ۵ هزار جلد برسد؛ یعنی احساس کردیم برخی از موضوعاتی که مطالعه موضوعی می کنند، شاید لازم باشد؛ به عنوان مثال کتاب کلانی درباره امر به معروف

و نهی از منکر، کتاب کلانی درباره توحید در قرآن به صورت کلامی، همچنین درباره فرقه ها و مذاهب و رویکردهایشان به صورت جداگانه به صورت خیلی محدود تهیه کرده ایم.

پایان نامه های موجود در کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی تنها داخلی است یا پایان نامه های خارجی را هم شامل می شود؟ نحوه دسترسی به این پایان نامه ها چگونه است؟ خدمات پایان نامه ای این کتابخانه چیست؟ آیا به دانشجویانی که پایان نامه خود را در اختیار این کتابخانه قرار می دهند، خدماتی را ارائه می دهید؟

یکی از کارهای سودمند و قابل توجهی که انجام داده ایم، جمع آوری پایان نامه های داخلی و خارجی است؛ تا جایی که امکان داشت پایان نامه های داخلی که در اختیار اساتید بود را جمع آوری کردیم، اما پایان نامه های غیر عربی در این کتابخانه بسیار کم است؛ همچنین بخش عظیمی از رساله های کشورهای عربی را در کتابخانه داریم و شاید بیش از هزار عنوان از رساله های به زبان عربی از کشورهای مختلف در کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی وجود دارد که بسیار بسیار سودمند است. قاعده مراجعه به این رساله ها همانند قاعده مراجعه به رساله های داخلی است و در مکانی جداگانه نسبت به هم قرار دارند؛ معمولا تمام پایان نامه را در اختیار پژوهشگر نمی گذارند و تنها در حد کلی می توان به این پایان نامه ها مراجعه و به عنوان منبع از استفاده کرد، به این صورت که ابتدا چکیده پایان نامه در اختیار پژوهشگر قرار می گیرد و در صورت نیاز، کل پایان نامه در اختیار قرار خواهد گرفت.

علاوه بر این که به دانشجویانی که می خواهند پایان نامه بنویسند، کتاب های مربوط به موضوع پایان نامه را در اختیارشان قرار می دهیم، کمک فکری، علمی و راهنمایی نیز ارائه خواهیم داد؛ به دنبال جمع آوری منابع پایان نامه ای هستیم، اما به دانشجویانی که پایان نامه خود را به این کتابخانه ارائه می دهند، خدمات خاصی ارائه نمی دهیم.

مراجعه کنندگان به کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی از چه قشری هستند؟ میزان استقبال از این کتابخانه تا چه حدی است؟ آیا طلاب خارجی هم برای استفاده از منابع مراجعه می کنند؟

مراجعه کنندگان به کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی را غالبا اساتید و طلاب بعد از سطح سه و دانشجویان بالاتر از کارشناسی ارشد را تشکیل می دهند؛ استقبال از این کتابخانه نیز بسیار خوب است؛ سالن مطالعه این کتابخانه تنها برای استفاده از کتاب های موجود در کتابخانه است و اجازه استفاده از سالن مطالعه برای خواندن سایر کتب خارج از کتابخانه داده نمی شود.

با توجه به محدودیت مکانی به طور متوسط روزانه حدود بیست سی نفر از سالن مطالعه استفاده می کنند؛ گاهی عالمان و اساتید درس خارج از جمله آیت الله دآوری که در رجال شأن بسیار بالایی دارند، برای تحقیق به این کتابخانه مراجعه می کنند؛ همچنین آقای حسینی که از علمای بسیار بزرگ شرقیه است، بخش قابل توجهی از آثارشان را در این کتابخانه نوشته اند؛ طلاب غیر ایرانی نیز برای بهره مندی از منابع این کتابخانه مراجعه می کنند.

آیا از شهرهای دیگر نیز برای برای بهره مندی از منابع کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی مراجعه می شود؟

برای دانشجویان به لحاظ ایجاد فضای عناوین و موضوعات قابل توجه است؛ آنچه که بسیار مهم است، اثر گذاری کتابخانه های تخصصی در پژوهش است و ای کاش نهادها و جریان هایی در شهرهای بزرگ این کارها را انجام بدهند؛ گاهی مراجعه کننده هایی از تهران مراجعه می کنند و بر این باور هستید که اگر به کتابخانه های تخصصی موجود در قم مراجعه و از منابع موجود در این کتابخانه ها استفاده کنند، بیش از کتابخانه های دانشگاه تهران، ملی، مجلس بهره مند خواهند شد.

علت بهره مندی بیشتر از منابع این کتابخانه،

دسترسی به کتب موجود است و قفسه کتاب ها به صورت باز اداره می شوند؛ محققان خودشان کتاب مورد نیازشان را برداشته و استفاده می کنند و گفته شده که کتب را پس از استفاده در قفسه ها نگذارند و این مسأله را به مسؤول مربوط واگذار کنند؛ برخی از قفسه کتاب های این کتابخانه که به صورت بسته اداره می شود، محدودیت کتاب دادن را ندارند، به این معنا که اگر محقق مراجعه کند و لیست ۳۰ عدد کتاب را بدهد، این تعداد کتاب به صورت یک جا به او داده می شود تا در کتابخانه استفاده کند.

بدون این که تذکر دهیم، بخش قابل توجهی از رساله ها، پس از استفاده از کتاب های این کتابخانه که نوشته شده اند، نسخه ای اهدا می شوند، وقتی به آثار تازه پدید آمده که نگاه می کنم، معلوم می شود که بخش قابل توجهی از آن، در این کتابخانه تهیه شده است؛ اثر گذاری این کتابخانه در پژوهش بسیار مهم است.

سالانه چه مقدار کتاب به کتاب های این کتابخانه تخصصی افزوده می شود؟ این کتاب ها به چه صورت تهیه می شوند؟

امسال حدود ۲۰۰ میلیون تومان کتاب خریده ایم؛ می توانیم ادعا کنیم که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد کتابخانه های تخصصی قم به نسبت جهان اسلام بروز است؛ خرید ما از نمایشگاه بین المللی کتب و با مراجعه به یکی از نمایشگاه های کشورهای اسلامی در هر سال این کتابخانه ها را غنی کرده است و اطلاع از حوزه مطالعه کشورهای دیگر و مراکز پژوهشی قابل توجه است.

منفذ کتاب هایی که بیشترین تهیه کتاب را از آنجا داشتیم، لبنان، سوریه و عربستان بود که به کشورهای دیگر نیز دست پیدا می کردیم؛ بیشترین بازار کتابی که آن کتاب هایی را تهیه می کنیم، از کشور لبنان است؛ کشور سوریه در حال حاضر با مشکلات جنگ با مشکلاتی مواجه است و تنها دمشق که آرامش خاص خود را دارد، در آنجا نشر تعطیل نشده است و کتاب هایی منتشر می شود؛ درحال حاضر خرید از عربستان نیز تعطیل شده است؛ تا جایی که امکان داشته باشد برای خرید کتاب به نمایشگاه های کتاب بحرین، قطر، امارات و کویت، مغرب، مصر و اردن مراجعه می کنیم.

ساعات فعالیت کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی به چه صورت است؟ استفاده از کتابخانه آیا تنها برای برادران است یا خواهران نیز می توانند استفاده کنند؟

این کتابخانه صبح ها ساعت ۸ تا ۱۳ آماده خدمت رسانی به خواهران و عصرها از ساعت ۱۵ تا ۲۱ برای استفاده برادران باز است؛ دانشجویان با کارت دانشجویی، اساتید با کارت مخصوص خود و علما نیز با ملبس بودن به لباس روحانیت می توانند از خدمات این کتابخانه بهره مند شوند. این کتابخانه تحت حمایت حضرت آیت الله سیستانی اداره می شود و هیچگونه حمایت از سوی نهادهای حوزوی و دولتی نسبت به این کتابخانه صورت نمی گیرد؛ البته درخواستی نسبت به حمایت نداشته ایم و فعلا نیاز نداریم.

ارتباط کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی با کتابخانه های دیگر تخصصی چگونه است؟ آیا شما ارتباطی با حوزه علمیه نجف، لبنان و سایر کشورها دارید؟

برخی از نهادهای حوزوی اعم از دفتر تبلیغات کتابخانه قرآنی دارند که برای کارها خودشان استفاده می کنند؛ به عنوان مثال مؤسسه معارف اسلامی امام رضاع) تا حدودی منابعی دارد و اگر منابعی باشد که به آن نیاز داشته باشیم، استفاده می کنیم؛ با این حوزه ها ارتباطی نداریم؛ البته گاهی اوقات محقق این کشورها برای بازدید می آیند، اما ارتباط مستمر مبادله ای نداریم.

کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی چه نقشی در تولید و ترویج علم در حوزه علمیه دارد؟
مهم ترین اثر را در تولید علم در حوزه های علمیه دارند، چرا که قطعا و جزما مهم ترین جایگاه و پایگاه پژوهش، منابع و مصادر است؛ وقتی منابع و مصادر نباشد، پای تحقیق لنگ است و اینها بزرگترین خدمت را از این جهت انجام می دهند؛ حتی حجت الاسلام

نگاهی به فعالیت های کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی

والمسلمین شهرستانی در اندیشه این مسأله است که اگر طرح نهایی انجام شود، در کنار مخزن مطالعه و تحقیق، چند سوئیت کوچک نیز قرار دهند، چرا که گاهی مراجعه کنندگانی از شهرهای دور از جمله اهواز، شیراز، اصفهان، تبریز و تهران داریم که اغلب اینها استاد و دانشجو هستند و امکاناتی ندارند و باید بروند هتل بگیرند و برای مطالعه به اینجا مراجعه کنند؛ البته در برخی از کشورهای دنیا نیز چنین جایی دارند که در کنار کتابخانه، چنین آسایشگاهی برای استراحت قرار داده اند.

برنامه های شما برای آینده چیست و چگونه برنامه ریزی کرده اید تا جایگاه تخصصی بودند کتابخانه حفظ شده و مخاطبان بیشتری جذب کنید؟

در برنامه ریزی برای آینده، فضای بیشتر و امکانات بسیار اهمیت دارد و ایجاد ارتباط های متقابل بین کتابخانه های تخصصی مهم خواهد بود و هر چه امکانات جغرافیایی و جذب کتاب های بیشتری داشته باشیم، پژوهش هایی نو انجام خواهد شد؛ امروزه نسخه های الکترونیکی وجود دارد، اما غالب پژوهش های جدید طول می کشد تا به فضای راه پیدا کند و اینها تأثیرگذار خواهد بود.

به نظر شما حوزه های علمیه امروز چه نقشی در تبلیغ و توسعه پیام دین دارند؟

اصلا مهم ترین هدف و رسالت دین و حوزه علمیه، تبلیغ دین و مرزبانی از اندیشه دینی، انسانی و اجتماعی است؛ برای این مرزبانی، مقدماتی لازم است که باید تلاش شود تا به آن مقدمات از جمله بروز بودن، مخاطب شناسی، مجهز شدن به ابزار روز و توسط آن با مخاطب سخن گفتن و رویارویی با مخاطب از طریق رسانه های مجازی و مکتوب و غیر آن برسند.

حوزه علمیه بیشترین نقش را در توسعه به معنای خاص آن یعنی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می تواند بازی کند؛ وقتی که یک جامعه ای از آنچه دارد، آگاه شود و بداند که چگونه باید به دارایی خود دست پیدا کند، با جامعه ای که نمی داند چه چیزهایی را باید داشته باشد، متفاوت است؛ حوزه و روحانیت افزون بر همسویی و صیانت از ایمانیات مردم و اخلاق اجتماعی و فردی که خیلی مهم است، می توانند در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار مؤثر باشند.

حوزه های علمیه چه وظایفی در قبال نظام اسلامی دارند؟

حوزه های علمیه می توانند همراه، همدل و همگام حکومت به صورت ناصحانه و مبلفانه، نه توجیه گرایانه باشد؛ رهبر معظم انقلاب در اولین سفر به قم، در سخنرانی شان در فیضیه فرمودند تصویر و تعریف حوزه در مقابل حکومت، یا معاند یا توجیه گر و یا ناصح است؛ اگر معاند باشد خوب نیست، چرا که نظام جمهوری اسلامی برای این کشور است؛ می دانیم که قبل از انقلاب چه وضعیتی داشتیم؛ یک بار برای تبلیغ که به حاجی آباد بندرعباس می رفتیم و تعداد اندکی که در اتوبوس بودیم، همه مان را از اتوبوس پایین آوردند، حتی عمامه مان را هم باز کردند و کیفمان را باز کرده و کتاب هایمان را پاره کردند، اما اکنون طلاب با نهایت احترام به تبلیغ می روند.

اگر توجیه گر هم باشد، خوب نیست، اگر خدایی نکرده حکومت اسلامی اشتباهی کند و کجی برود و کج اندیشی کند، بنشینند و توجیه کنند، خوب نیست؛ اما اگر ناصح باشند، خوب است، یعنی با چشم بیدار و آگاه حقیقت را ببینند و خالصانه و ناصحانه آنها را به حکومت بگویند؛ به نظرم ورود روحانیت به صحنه به صورت سیاست بازی بسیار کار غلطی است، سیاست مدارانه و آگاه از مسائل سیاسی بودن اشکالی ندارد، اما این که روحانیت وارد باندی شود و جامعه یا جوان احساس کند که این موضع را به خاطر بودن در فلان باند یا خط، می گیرد، برای روحانیت اصلا خوب نیست؛ روحانیت باید از بالا نگاه کند، در این صورت باید برای همه در مسیر حق به صورت ناصحانه حرف بزند، در این صورت مردم به ما هو مردم حرف روحانی را گوش خواهند داد و مؤثر است؛ با توجه به سنجش آماری اگر حساب کنیم، جامعه دینی ما شاید بیشترین توقع و اطمینان را به روحانیت دارد.

آیت الله اراکی:

فجایع منطقه باطراحی وپشتیبانی قدرت های استعماری است

آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار هیتنی از اتحادیه احزاب آسیایی با بیان اینکه ایده اتحادیه احزاب آسیایی ایده بسیار خوب، ضروری و مفیدی است، اظهار داشت: ما در منطقه مشکلات و بحران هایی زیادی داریم که اتحادیه احزاب آسیایی می تواند در حل یا تخفیف این مشکلات نقش ایفا کند.

وی افزود: سلطه قدرت های معدود بر سرنوشت ملت ها آسیایی یکی از مشکلاتی است که همواره آسیا از گذشته از آن رنج برده است و بیش از سه قرن است که از سلطه بیگانگان بر نقاط مختلف آسیا از شرق دور گرفته تا خاورمیانه و آسیای میانه رنج می برد.

آیت الله اراکی با بیان اینکه امروز استعمار روش کار خود را عوض کرده و با شیوه خطرناک تری در منطقه اعمال نفوذ می کند، اظهار داشت: روشی که امروز استعمار گران در منطقه در پیش گرفته اند روش ایجاد اختلاف در میان ملت ها و ایجاد جنگ داخلی در درون ملت هاست.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب افزود: همه فجایعی که امروز در افغانستان، بحرین، یمن و سوریه در حال رخ دادن است، با طراحی و پشتیبانی قدرت های استعماری بزرگ است.

وی با اشاره به اینکه اتحادیه احزاب آسیایی اهداف بلندی دارد که باید گام های مؤثری در راستای این اهداف بردارد، اظهار داشت: یکی از مهمترین اهدافی این اتحادیه باید مدنظر قرار دهد نزدیک کردن ملت ها و گروههای درون ملت هاست که این هدف، به اهداف مجمع جهانی تقریب بسیار نزدیک است و این تحدادی می تواند نقش بسیار خوبی در این زمینه ایفا کند که هم آمادگی داریم در این راستا هر گونه همکاری را داشته باشیم.

آیت الله اراکی افزود: موضوع دیگر این است که ما امروز شاهد برخی مشکلاتی در کشورهای آسیایی برای گروههای متلف هستیم برای نمونه در میانمار و اندونزی برای برخی از گروههای مذهبی مشکلاتی به وجود آورده اند که این اتحادیه می تواند نقش بسیار مهمی در جلوگیری و یا حل این مشکلات ایفا کند.

وی گفت: ما انتظار داریم اتحادیه احزاب آسیایی در گام نخست نسبت به اعلام موضع پیرامون مشکلات منطقه اقدام کند و در گام بعدی با ایجاد ارتباط با نیروهای مؤثر در کم کردن این مشکلات گام بردارد. دبیر کل مجمع جهانی تقریب در پایان تأکید کرد: ما آمادگی داریم با اتحادیه احزاب آسیایی در حل مشکلات کشورهای آسیایی همکاری کنیم.

و شادمانی مومنان روزه دار است اینگونه می فرماید:«انما هو عید لمن قَبِلَ الله صیامَه و شَکَرَ قِیامَه و کل یوم لایُضَیُّ الله فیه فهو عیدٌ[۱]این عید کسی است که خدا روزهاش را پذیرفته و نماز وی را سپاس گفته و هر روز که خدا را در آن نافرمانی نکنند روز عید است.

بنابراین تکلیف گرای، اطاعت از خدا و کسب معرفت الهی زمینه ساز تغییرات اساسی در جهان بینی انسان به هستی خواهد شد که تحقق این مهم نیز بستر ساز ترسیم سبک زندگی اسلامی و در نهایت سعادت و کمال آدمی و تجلی بخش شادی و سرور واقعی انسان ها می گردد.

[۱]العبیزان، ج ۶ ص ۲۵۸.

[۲]امطهری، مرتضی، مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)،

تهران: صدرا، ج ۱۵، ص ۳۵۳.

[۳] عوالی اللآلی: ۶۶/۲۶۷/۱.

[۴]انہج البلاغۃ: الخطبۃ ۱۵۶.

[۵]دعوات(راوندی) ص ۲۷، ح ۴۵ و ۴۶.

[۶]غرالحکم و درالکلم، ج ۴، ص ۱۳۶.

[۷]انہج البلاغۃ: حکمت ۴۲۸.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

برخی رفتارها در شهرهای مذهبی در شأن زیارت و زائران نیست

با تفرج هموم (سیاحت) برنامه های مشخصی نداریم. رییس دانشگاه مذاهب اسلامی با تکرار این که زیارت و سیاحت در یک قالب تعریف شده ای جریان نمی یابد گفت: سیاحت و زیارت می توانند مکمل هم باشند و هر کدام در دیگری تأثیر بگذارند. وی گفت: زیارت و سیاحت در واقع به معنای جمع بین معنویت و مادیت است.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی مبلغی اظهار داشت: از دیگر فلسفه های سیر در زمین، معرفت افزایی نسبت به خداوند متعال و دیدن اماکن و وضعیت هایی است که فکر و ذهن را به سمت آفریده های خالق بی همتا منتقل می کند و ما باید برای سفرهای زیارتی برنامه ریزی مناسبی از این حیث هم داشته باشیم.

عضو مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: دو بعد معرفتی و سیاحتی در زیارت، فضا را بعد سوم یعنی تقویت محبت نسبت به خداوند متعال، پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در دل ها ایجاد خواهد کرد.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی توجه به مساله تاسی در زیارت را نیز مورد تأکید قرار داد و بیان داشت: از آنجا که اماکن مقدس و شهرهای مقدس ما به عنوان الگو مطرح هستند زیارت ها باید تأمین کننده حس الگوخواهی و الگوپذیری انسان باشد ولی ما برای این مساله نیز فکر چندانی نکرده ایم.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی مبلغی گفت:متأسفانه گاهی ناهنجاری های رفتاری در برخی از این شهرهای زیارتی، مشاهده می شود که متناسب با این جایگاه هانیتست. استاذحوزه علمیه قم گفت: مسافر و زائر اگر در امکان مادی و رفاهی درستی قرار بگیرد جاذبه های سفر همیشه برای او باقی خواهند ماند و ما با وجود تلاش های انجام شده، ولی هنوز در شهر مقدس قم امکانات درستی برای پذیرش زائران نداریم.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: متأسفانه با گذشت این همه زمان، نتوانستیم برای قم یک

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی احمد مبلغی در نشست یونس عالی پور معاون هماهنگی امور زائران استانداری قم و کمیته امور زائران استان قم خاطرنشان کرد: باید یک نوع نظم، زیبایی، انسجام و امکانات را در سایر شهرهای زیارتی ایجاد کنیم تا چنین شهرهایی به الگو و اسوه برای سایر شهرها تبدیل شوند. وی با اشاره به عنوان قرآنی «سیر در زمین» گفت: سیر در زمین با فلسفه های وجودی متعددی در اسلام مطرح شده که یکی از آنها عبرت گرفتن از طریق شکستن فضاهای محدود و کلیشه ای است که انسان در حضر پیرامون خود ایجاد کرده است. سفر و سیاحت (و به طریق اولی زیارت)، این کلیشه ها و نگاه های محدود در هم شکسته می شوند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی اظهار داشت: وقتی فلسفه وجودی سیاحت مورد توجه قرار گیرد فرد در طول سفر در افق فراتر، ذهنیت عام تر و عبرت گیرنده تری قرار می گیرد.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس اظهارداشت: یک خاصیت دیگر سیر در زمین، سیاحت است که از آن به «تفرج هم» تعبیر شده است.

وی با اشاره به این که به صورت طبیعی در یک جا ماندن، نوعی افسردگی و یکنواختی در انسان ایجاد می کند، گفت: اسلام به دنبال این است که انسان همیشه در شادابی و نشاط مستمر باشد، سیر در زمین» و مسافرت، تنوع را در زندگی انسان معنا می بخشد و انسان با این تنوع، به نشاط و شادابی خواهد رسید.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی مبلغی ادامه داد: اگر زیارت ابعاد سیاحتی و تفرجی هم پیدا کند خواست اسلام بهتر محقق خواهد شد و انسان با خروج از فضای گرفته و خسته کننده روحی تأثیرات معنوی زیارت را در کلان بهتر دریافت خواهد کرد.

وی همچنین گفت: متأسفانه ما برای زیارت همراه

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین مختاری در زمینه تکلیف گرایی دینی

بی شک انجام تکالیف دینی از جمله شاخصه های ذاتی سبک زندگی اسلامی است که در دایره عبودیت و بندگی خداوند متعال قرار گرفته است، از این رو کسی که نسبت به عبودیت بی اعتنا باشد لاجرم همه ابعاد و شئونات زندگی خود را در مسیر غیر الهی قرار خواهد داد و کسی که بندگی را قصد حیات خود می بیند همه ابعاد و زوایایی زندگی خود اعم از نماز و روزه تا کسب و کار و تحصیل و تفریح... را در مسیر بندگی استوار خواهد کرد، یعنی به ساحت زندگی صیغه الهی می بخشد.

در ادامه مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در زمینه تکلیف گرایی دینی را می خوانید:

چگونه می توان با اعتقاد به تکلیف گرایی دینی به تقویت سبک زندگی اسلامی پرداخت؟

بی شک سعادت و کمال همه انسانها و جوامع بشری در گرو اطاعت از قوانین الهی است که از سوی انبیاء الهی به بشر ابلاغ شده است، لیکن باید دانست نه با پذیرش سبک زندگی غربی و اطاعت از غیر خدا(و مانیسم)، بلکه از دایره سبک زندگی الهی و اسلامی می توان به این مهم نایل گردید لذا الگوهای برآمده از قرآن کریم و سیره معصومین (ع) می تواند تولیدات نرم افزاری سبک زندگی اسلامی را موجب گردد لیکن از سوی دیگر پذیرش آموزه های غربی در مسائل مرتبط با زندگی روزمره، موجبات عدم رعایت برخی از دستورات دینی و بی مبالائی نسبت به انجام تکالیف دینی را به همراه خواهد داشت که طبیعتاً این نوع رفتار و اهتمام بی حد و حصر به مظاهر زندگی دنیایی جوامع مدرن به پذیرش شرک در عبودیت و بندگی خدا سوق داده خواهد شد.

بی شک انجام تکالیف دینی از جمله شاخصه های ذاتی سبک زندگی اسلامی است که در دایره عبودیت و بندگی خداوند متعال قرار گرفته است، از این رو کسی که نسبت به عبودیت بی اعتنا باشد لاجرم همه ابعاد و شئونات زندگی خود را در مسیر غیر الهی قرار خواهد داد

و کسی که بندگی را قصد حیات خود می بیند همه ابعاد و زوایایی زندگی خود اعم از نماز و روزه تا کسب و کار و تحصیل و تفریح... را در مسیر بندگی استوار خواهد کرد، یعنی به ساحت زندگی صیغه الهی می بخشد.

بدین ترتیب سبک زندگی اسلامی بستر ساز عبودیت الهی در زندگی جوامع بشری است بلکه انجام تکالیف دینی و جلوه های ظاهری عبودیت در قامت نماز، روزه و دیگر مناسک دینی در اسلام منبعث از آموزه های توحیدی است که روش زندگی و پویایی حیات مادی و معنوی انسان ها را رقم می زند، به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی(ره):«اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند، دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان».[۱]

آیا صرفاً با انجام اعمال عبادی می توان به زندگی اسلامی رسید؟

متأسفانه در جامعه امروزی می توان عدم التزام به تکلیف گرایی و بی اعتنائی به عبودیت و بندگی را حتی در جوامع اسلامی مشاهده نمود، به تعبیر شهید مطهری(ره)، ما گرفتار نوعی ماتریالیسم اخلاقی و شرک عملی هستیم[۲]؛ یعنی اعمال عبادی و انجام فرامین و دستورات الهی، منبعث از اندیشه موجدانه و غیب باورانه نیست و بین اعتقاد و عمل، فاصله زیادی وجود دارد.

بی تردید بیان این مسأله در طول التزام به شمولیت فراگیر سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف عبادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارد، لذا آنهایی که سبک زندگی دینی را صرفاً مقوله ای برآمده از انجام اعمال عبادی مثل نماز و روزه... می دانند در واقع درحیطه ترویج سکولاریسم گام نهاده اند زیرا اسلام دنیا و اسباب و وسایل دنیوی را مقدمه حصول به آخرت می داند و هر عاقلی می داند که بدون مقدمه نمی توان به نتیجه مطلوب و نهایی رسید؛ لذا پیامبر اکرم (ص) می فرماید:«الدنيا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»[۳] دنیا کشتزار آخرت است.»

و یا امام علی (ع)فرمود:« بالدنيا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ»[۴]

آخرت با دنیا به دست می آید».

اینگونه است که باید گفت عمل به تعالیم و تکالیف دینی یکی از اجزاء لاینفک دین گرایی محسوب می شود که به نوبه خود وضعیت و رفتارهای انسانها را در موقعیت های روزانه جهت می بخشد و به عنوان یکی از شاخصه های ذاتی الگوی رفتاری یک فرد مسلمان مورد توجه قرار می گیرد.

آیا ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی برای تحقق این اندیشه ها محسوب می شود؟

در تبیین این مسأله باید به آموزه های بی بدیل عبادی و دینی در ماه مبارک رمضان اشاره نمود؛ ارتباط با خدا، ارتباط انسان با قرآن و دعاها ی وارده و مناجات انسان با خداوند در بهار قرآن آنچنان در اعضا و جوارح انسان تأثیر گذار است که به تعبیر امام علی (ع) خواب فرد روزه دار هم عبادت و بهانه ای برای قرب الهی محسوب می گردد؛«تَوَمَّ الصَّائِمُ عِبَادَةً».[۵]

هم چنین نقش کلیدی انجام تکالیف دینی در خود شناسی و نیز توجه به مستمندان، توجه به همسایه و اطرافیان و روزه داران دیگر در قالب افطاری دادن و دیگر جنبه های عاطفی همگی نشان دهنده ارتباط موثر و مفید تکلیف گرایی با جامعه پیرامونی است که به تقویت سبک زندگی اسلامی منتهی می شود.

نشانه های تحقق تکلیف گرایی دینی چگونه ظاهر می شود؟

در خاتمه باید گفت تحقق تکلیف گرایی دینی و عبادی تغییرات اساسی روحی و روانی و احساس شادی و آرامش و راحتی ویژه ای به همراه خواهد داشت در غیر این صورت احساس غم و سرافکندگی و شرمندگی اجتناب ناپذیر خواهد بود، لذا مومن زمانی شادمان است که به تکالیف دینی اهتمام بورزد، به تعبیر حضرت علی (ع)«سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حَزْنُهُ عَلَى ذَنْبِهِ»[۶]شادی مؤمن در اطاعت پروردگارش است، و اندوهش بر گناهانش است.» لذا آن حضرت درباره عید فطر که روز جشن و شادی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۲۳۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

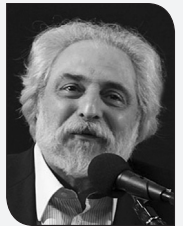
مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

فیروزان؛

نویسندگان و مسئولان باید خود را با تکنولوژی روز هماهنگ کنند



مهدی فیروزان مدیرعامل موسسه شهر کتاب در گفتگو با مهر، درباره تأثیر تکنولوژی روز بر حوزه مطالعه و خواندن گفت: ورود گجت‌هایی مانند لپ‌تاپ، تبلت و تلفن‌های همراه هوشمند به زندگی مردم، آمار مطالعه در جامعه

را بالا برده است چون در گذشته، خواندن تنها از طریق کتاب و روزنامه حاصل می‌شد. تکنولوژی و ابزارهای هوشمند امروز، امکانی فراهم کرده که طیف گسترده‌ای از مردم دنیا بتوانند به اطلاعات، مطالب و متون مختلف دسترسی داشته باشند.

وی افزود: به همین دلیل امروزه اگر نویسندگان بخواهند مطالب و نوشته‌هایشان خوانده شود و همچنین اگر نهادهای فرهنگی بخواهند محتوای خود را به مردم برسانند، باید خودشان را با این سیستم تطبیق دهند؛ زیرا امروز مردم ما و به خصوص نسل جوان به دلیل علاقه‌مندی به تکنولوژی روز و ابزار هوشمند، ناخودآگاه از این طریق به خواندن روی آورده‌اند.

مدیرعامل موسسه شهر کتاب با تأکید در ادامه، بر لزوم تغییر نگرش سازمان‌ها و نهادهای مختلف همسو با پیشرفت تکنولوژی روز گفت: امروزه این تکنولوژی و ابزار هوشمند، خود را بر زندگی ما تحمیل کرده و افرادی که می‌خواهند دیده شوند و صدای خود را به گوش جامعه برسانند، ابتدا باید در تولید محتوای خود تجدید نظر کنند و در ادامه محتوای خود را به صورت قابل ارائه در فضای مجازی تبدیل کنند.

فیروزان همچنین درباره تبلیغ و ترویج کتابخوانی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گفت: پویایی که با عنوان «کتابخوان مجازی» از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، طراحی و در حال اجرا است، حاصل چنین نگرشی است. به طوری که طی یک فراخوان، از فعالان فرهنگی و عموم مردم دعوت می‌کنند تا با تهیه ویدئوهایی کوتاه از تجربیات مطالعاتی خود و به اشتراک گذاشتن آن در شبکه‌های اجتماعی، نسل امروز را که پیوندی عمیق با این شبکه‌ها ایجاد کرده، به سمت کتاب و مطالعه ترغیب کنند.

وی نفوذ فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در زندگی امروز را فرصتی بزرگ برای پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی دانست و گفت: مسئله مهم چگونگی ورود به این موضوع و شیوه استفاده از این امکان است. ورود به این حوزه مهم نیازمند مطالعه و تحقیقی دقیق است تا به حرکت‌های مفید و موثری چون «پویش کتابخوان مجازی» منجر شود. بنده و مجموعه شهرکتاب از هر پویایی که به افزایش خواندن و مطالعه کمک کند حمایت می‌کنیم.

کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی

نشانی: پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای

بلوار سلمان فارسی، خیابان شهید

مخلص، خیابان دوم

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۸۰۷۵۵۶

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب:

باید نکات انحرافی وهابیت، سلفی‌گری، داعش در حوزه تدریس شود

گوناگون اخلاقی، اجتماعی، تاریخی، تربیتی و... را مورد پژوهش قرار داده و به صورت روزآمد پاسخگو باشد. رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب تأکید کرد: باید رساله‌های سطح سه و چهار در پاسخگویی به نیازهای روز جامعه تدوین شود.

حجت الاسلام والمسلمین نواب، گنجاندن دروس معارفی اهل بیت(ع) و همچنین دروس تربیتی و سیاسی در کتب درسی حوزه را ضروری دانست و ابراز داشت: امروز گروه‌هایی همچون داعش و برداشت‌های نادرست از دین آبروی اسلام را برده است؛ پس باید نکات انحرافی وهابیت، سلفی‌گری، داعش و... در حوزه تدریس شود تا طلاب با این مباحث آشنایی کامل داشته باشند.

نهادهای بهره‌بردار از طلاب، آنان را بورسیه کنند

وی خاطرنشان ساخت: همکاری نهادهای بهره‌بردار از طلاب با حوزه از دیگر نکات مهم است؛ به این معنا که این نهادها باید به حوزه کمک کنند تا طلاب رشد نمایند. رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب در پایان تصریح کرد: نهادهایی همچون قوه قضائیه، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، نیروهای مسلح و... باید طلاب را از پایه ششم به بعد بورسیه کرده و به او کمک کنند تا این عزیزان رشد کرده و آن نهاد پس از اتمام دروس این طلبه، از او استفاده نماید.

که به عنوان استاد یا پژوهشگر در حوزه علمیه قم بماند، ماندن او مشکلی ندارد؛ و الا باید در کشور یا خارج از کشور، مکانی را انتخاب و به وظیفه تبلیغی خود بپردازد.

طرح هجرت جدی تر شود

حجت الاسلام والمسلمین نواب گفت: امروز هجرت طلاب از قم، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که حوزه باید به آن بپردازد.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب تصریح کرد: امروز تعداد زیادی از طلاب و روحانیون در حوزه علمیه قم حضور دارند که رشد علمی خاصی نداشته و حوزه قم را از نظر تعداد جمعیت سنگین کرده‌اند؛ در حالی که ۶۰ هزار مسجد در کشور وجود دارد که نیمی از آنان فاقد روحانی است و امام جماعت ندارند.

حجت الاسلام والمسلمین نواب زبان آموزی حوزویان را از دیگر ضروریات امروز حوزه دانست و گفت: حوزه باید تسلط بر یکی از زبان‌های روز را شرط اعطای مدرک به حوزویان قرار دهد؛ به عنوان مثال اعلام کنند از سال ۱۳۹۸ طلابی که قصد اخذ مدرک سطح سه یا چهار را دارند، الزاما باید یکی از زبان‌ها را به انتخاب خود مسلط بوده و امتحان دهند تا بتوانند مدرک خود را دریافت نمایند.

وی ضرورت دیگر برای حوزه را پژوهش نیازهای دینی روز کشور عنوان و اظهار کرد: حوزه باید در مباحث

معاون امور بین الملل حوزه های علمیه:

حمله به نیس؛ پنجه گرگ هایی که برای یورش به اسلام تربیت شدند!

که اگر گرگ هایی را برای سوق دادن به سوی جهان اسلام تربیت کنند، این گرگ ها هر گاه که فرصت کنند به مریبان و تقویت کنندگان خود نیز خواهند تاخت و دمار از روزگار آن ها نیز درخواهند آورد، چنان که تجربه تقویت حمله صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، توسط آمریکا و برخی دولت



کشته شویم، اضافه کرد: انتظار ما از همه اندیشمندان، عالمان همه مذاهب اسلامی، رسانه های گروهی، نویسندگان، مصلحان و دولتمردان جهان اسلام آن است که با چشمپوشی از تفاوت های علمی مذاهب اسلامی، با اندیشه تکفیر به شدت مقابله کرده و با ارشاد کردن افراد با صداقت و جاهل آن ها و محکوم کردن معاندان و مزدوران آن ها، اسلام و امت اسلامی را از این فتنه نجات دهند گرچه مبارزه شدید با اندیشه تکفیر ممکن است سختی های خاصی داشته باشد و برخی از طرفداران تکفیر از آنها برنجدند یا متهم و تهدید شوند.

معاون امور بین الملل حوزه های علمیه یادآور شد: اگرچه دولت عربستان و قطر پشتیبانی داخلی امت اسلامی را از جریان تکفیر و داعش دارند اما ما معتقدیم دشمن اصلی و طراح اصلی فاجعه داعش در جهان اسلام، آمریکا است که اسرائیل و برخی دولت های اروپایی و همپیمانان آمریکا در این توطئه جهانی علیه اسلام اقدام می کنند.

وی نیت آمریکا و دولت های غربی همپیمان با آن را در ایجاد و مدیریت و تقویت داعش و دیگر جریان های تکفیری اولا مشغول کردن امت اسلامی به یکدیگر و از بین بردن فراغت برای مبارزه با صهیونیسم و سلطه غرب دانست و گفت: هدف دیگر آنها بدنام کردن دین اسلام برای پیشگیری از گسترش آن در جهان است. حجت الاسلام والمسلمین زمانی در ادامه با اشاره به حمله داعش به تجمع کنندگان شهر نیس در فرانسه بیان کرد: اما دولت های غربی از این خطر غافل هستند

رئیس هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه پیشنهاد داد: تسلط بر یک زبان، شرط اعطای مدرک به طلاب سطح سه و چهار حوزه علمیه باشد.

به گزارش مرکز خبر حوزه، حجت الاسلام والمسلمین ابوالحسن نواب به انتخاب آیت الله اعرافی به عنوان مدیر جدید حوزه‌های علمیه اشاره کرد و گفت: پس از انقلاب اسلامی ایران، مدیران گوناگونی از جمله آیات فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی و همچنین آیات استادی، مقتدایی و حسینی بوشهری در این جایگاه حضور داشتند که زحمات فراوانی کشیده و کار را جلو بردند و امروز نیز آیت الله اعرافی به این سمت منصوب شده‌اند که امیدواریم بتوانند گام‌های مؤثری در این راه بردارند.

وی اظهار داشت: بنده سال‌های متمادی در مراکز گوناگون حوزوی از جمله مرکز خدمات حوزه‌های علمیه حضور داشته و از نزدیک با مباحث حوزوی آشنا هستم؛ به همین دلیل پیشنهادهایی را برای مدیر جدید حوزه دارم. رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به اینکه امروز حوزه، نیازمند مباحث فوری است، ابراز داشت: یکی از این مباحث، قراردادن زمان برای طلاب است؛ به این معنا که باید برای طلاب مشخص شود که تا چه زمانی می‌توانند در قم سکونت داشته و به تحصیل بپردازند.

وی ادامه داد: طلاب باید در نظام آموزشی حوزه تحصیل کرده و اگر مسئولان حوزوی بر او تکلیف کردند

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن زمانی، معاون امور بین الملل حوزه های علمیه در گفت و گو با خبرگزاری شبستان با اشاره به حمله تروریستی داعش به تجمع کنندگان در شهر نیس فرانسه و کشته شدن دست کم ۸۴ تن، در خصوص چرایی کشیده شدن دامان جنایات داعش به فرانسه و قلب اروپا گفت: تروریست و حرکت اندیشه تکفیری در دنیای اسلام طریقه خطرناکی است که گرچه در گذشته تاریخ اسلام پیشینه کم‌رنگی دارد اما متأسفانه در سال های اخیر نقش فوق العاده ای را در دنیای اسلام رقم زد که از دو منظر دارای خطرات بیشتری است.

وی با بیان این که وجه نخست گستره جغرافیایی و حجم بیشتر ترور و برادرکشی در میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی است، افزود: در طول ۱۴ قرن گذشته گرچه کشتارهای داخلی بین مسلمانان اتفاق افتاده اما هیچ گاه همچون امروز، همزمان چندین کشور را تحت پوشش قرار نداده و به این تعداد گسترده ذبح و سر بریدن علمای دین از همه مذاهب، سر بریدن کودکان و کشتن زنان و حتی آتش زدن رسمی انسان ها سابقه نداشته است.

به گفته وی از بُعد دوم که حزن آورتر از کشتار ده ها مسلمان بی گناه است، تغییر صورت رحمانی شریعت اسلام به صورتی خشن و بی رحمانه است.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی تصریح کرد: امروز علیرغم اینکه ادیان بزرگ دیگری مانند مسیحیت، یهود، بودیسم، هندوئیسم و ... در دنیا وجود دارند، اما پیروان هیچ یک از این ادیان برادرکشی درون دینی را به شکل گسترده ندارند و تنها دینی که پیروانش برادرکشی را به صورت گسترده واجب دینی می دانند، متأسفانه دین اسلام (البته اسلام ساختگی نه ناب) است.

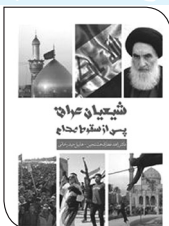
وی ادامه داد: با این شرایط تلخی که جریان های تکفیری و داعش و دولت های پشتیبانی کننده آنها برای خشن نشان دادن چهره اسلام انجام داده اند، امروز دیگر نمی توانیم از جوامع غیرمسلمان دنیا انتظار مسلمان شدن را داشته باشیم و گسترش اسلام پس از ۱۴ قرن در تاریخ متوقف شد و معلوم نیست طی ده ها سال یا صد سال آینده بتوانیم بار دیگر جامعه بشری را به آموزه های رحمانی دین اسلام خوش بین کنیم.

وی با تأکید بر اینکه این ثمره تلخ برای ما تلخ تر است از آنکه هزاران نفر از ما مسلمانان مظلومانه

شیعیان عراق پس از سقوط صدام

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ساختار سیاسی عراق دست یافتند و به طرز چشمگیری به نقش مسلط و تعیین کننده‌ای در ساختارهای سیاسی عراق رسیدند. این برتری تا آنجا پیش رفته است که امروزه احزابی مانند مجلس اعلاای اسلامی، حزب الدعوه اسلامی و گروه صدر در کنار رهبران مذهبی چون آیت‌الله سیستانی در ساختار سیاسی جدید عراق دارای بیشترین تأثیرگذاری هستند.



معرفی کتاب: با سقوط صدام و اشغال آن کشور، ساختار قدرت و همچنین وضعیت سیاسی شیعیان عراق دچار تغییر و تحول شد؛ زین پس نه تنها رژیم بعثی و در رأس آن صدام حسین حذف شد، بلکه ساختار دولت سنی‌محور نیز از بین رفت. شیعیان به عنوان اکثریت جمعیت عراق با توسل به قواعد و شیوه‌های دموکراتیک به جایگاه و قدرت مناسبی در